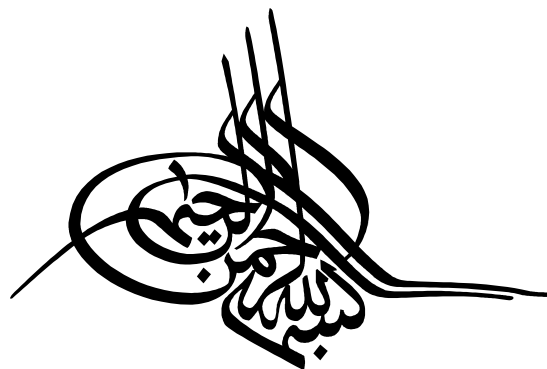




تحولات سیاسی اجتماعی ایران (از مشروطیت تاکنون)

سری کتاب‌های کمک‌آموزشی کارشناسی ارشد

مؤلف: منصوره حاجی‌زاده

سرشناسه	: منصوره حاجی‌زاده، ۱۳۵۵
عنوان	: تحولات سیاسی ایران (از مشروطیت تاکنون)
مشخصات نشر	: تهران : مشاوران صعود ماهان،
مشخصات ظاهری	: ۱۶۹ ص
فروست	: سری کتاب‌های کمک آموزشی کارشناسی ارشد
شابک	: ۹۷۸-۶۰۵-۴۵۸-۷۶۸-۶
وضعیت فهرست نویسی	: فیبای مختصر
یادداشت	: این مدرک در آدرس http://opac.nlai.ir قابل دسترسی است.
شناسه افزوده	: پوران، مهدی / ویراستار علمی
رده‌بندی دیویی	: ۳۸۷/۱۶۶۴
شماره کتابشناسی ملی	: ۳۸۸۹۳۱۴۵



نام کتاب: تحولات سیاسی اجتماعی ایران
ناشر: مشاوران صعود ماهان
مدیر مسئول: هادی سیاری - مجید سیاری
مولف: منصوره حاجی‌زاده
مدیر تولید محتوی: سمیه بیگی
نوبت و تاریخ چاپ: اول / ۱۴۰۴
شمارگان: ۱۰۰۰ جلد
قیمت: ۳/۷۶۰/۰۰۰ ریال
شابک: 8-600-458-768-6

انتشارات مشاوران صعود ماهان: خیابان ولیعصر، بالاتر از تقاطع مطهری،

روبروی قنادی هتل بزرگ تهران، جنب بانک ملی، پلاک ۲۵۰

97

تلفن: ۸۸۱۰۰۱۱۳-۴

سخن ناشر

«نون والقلم و ما یسطرون»

کلمه نزد خدا بود و خدا آن را با قلم بر ما نازل کرد.

به پاس تشکر از چنین موهبت الهی، مؤسسه ماهان درصدد برآمده است تا در راستای انتقال دانش و مفاهیم با کمک اساتید مجرب و مجموعه کتب آموزشی خود برای شما داوطلبان ادامه تحصیل در مقطع کارشناسی ارشد گام مؤثری بردارد. امید است تلاش‌های خدمتگزاران شما در این مؤسسه پایه‌گذار گام‌های بلند فردای شما باشد. مجموعه کتاب‌های کمک آموزشی ماهان به منظور استفاده داوطلبان کنکور کارشناسی ارشد سراسری و آزاد تألیف شده‌اند. در این کتاب‌ها سعی کرده‌ایم با بهره‌گیری از تجربه اساتید بزرگ و کتب معتبر داوطلبان را از مطالعه کتاب‌های متعدد در هر درس بی‌نیاز کنیم.

دیگر تألیفات ماهان برای سایر دانشجویان به صورت ذیل است:

● **مجموعه کتاب‌های ۸ آزمون:** شامل ۵ مرحله کنکور کارشناسی ارشد ۵ سال اخیر به همراه ۳ مرحله آزمون تألیفی ماهان همراه با پاسخ تشریحی است که برای آشنایی با نمونه سؤالات کنکور طراحی شده است. این مجموعه کتاب‌ها با توجه به تحلیل ۳ ساله اخیر کنکور و بودجه‌بندی مباحث در هریک از دروس، اطلاعات مناسبی برای برنامه‌ریزی درسی در اختیار دانشجو قرار می‌دهد.

● **مجموعه کتاب‌های کوچک:** شامل کلیه نکات کاربردی در گرایش‌های مختلف کنکور کارشناسی ارشد است که برای دانشجویان برای جمع‌بندی مباحث در ۲ ماهه آخر قبل از کنکور مفید است.

بدین‌وسیله از مجموعه اساتید، مؤلفان و همکاران محترم خانواده بزرگ ماهان که در تولید و به‌روزرسانی تألیفات ماهان نقش مؤثری داشته‌اند، صمیمانه تقدیر و تشکر می‌نماییم.

دانشجویان عزیز و اساتید محترم می‌توانند هرگونه انتقاد و پیشنهاد در خصوص تألیفات ماهان را از طریق سایت ماهان به آدرس mahan.ac.ir با ما در میان بگذارند.

مؤسسه آموزش عالی آزاد ماهان

سخن مؤلف

«فلک را سقف بشکافیم و طرحی نو در اندازیم»

پژوهش حاضر به بررسی تحولات سیاسی ایران از زمان شکل‌گیری نهضت مشروطه تا عصر حاضر می‌پردازد. در این تحقیق سعی بر آن است که روند تحولات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی ایران، ساختار طبقات اجتماعی ایران پیش از مشروطه و همچنین روند شکل‌گیری انقلاب و تأثیرات آن بر عملکرد مجالس ایران در عصر مشروطه و نقش و تأثیر اندیشمندان ایرانی در ایجاد آگاهی مردم مورد مذاقه قرار گیرد.

تأثیر اندیشمندانی همچون مجدالملک، مستشارالدوله، میرزا ملک‌خان و تأثیر اندیشه‌های سیاسی اندیشمندانی چون شادمان، آل‌احمد و دکتر شریعتی پس از عصر مشروطه بر روند تحولات سیاسی ایران از بخش‌های دیگر این تحقیق است.

نقش مؤسسات تمدنی جدید در عصر قاجاریه، واگذاری امتیازات اقتصادی به بیگانگان و تأثیر آن بر تحولات سیاسی ایران، همچنین عوامل شکست نهضت مشروطه ایران، چگونگی تأسیس حکومت پهلوی و نقش احزاب در این دوران مورد ارزیابی قرار می‌گیرد.

امید است مورد توجه دانش‌پژوهان قرار گیرد.

از مدیر محترم مؤسسه ماهان که در انجام این پژوهش مرا بسیار یاری نمودند کمال تشکر و سپاس را دارم.

«آینده از آن کسانی است که به استقبالش می‌روند»

«هنگامی که تصور مجرد آزادی تمام عیار به ذهن افراد و ملت‌ها راه می‌یابد هیچ‌چیز به پای قدرت مهارناپذیر آن نمی‌رسد، زیرا این اساس ذهن و فعلیت آن می‌شود». هگل

منصوره حاجی‌زاده

فصل اول: ۱- زمینه‌های شکل‌گیری انقلاب مشروطه در ایران.....	۷
۱-۱- زمینه‌های اجتماعی انقلاب مشروطه.....	۸
۲-۱- زمینه‌های اقتصادی انقلاب مشروطه.....	۹
۳-۱- زمینه‌های سیاسی انقلاب مشروطه.....	۱۰
۱-۳-۱- مرحله اول.....	۱۰
۲-۳-۱- مرحله دوم.....	۱۲
۳-۳-۱- مرحله سوم.....	۱۴
نمودار و خلاصه فصل اول.....	۱۵
سؤالات چهارگزینه‌ای تألیفی و پاسخ‌نامه فصل اول.....	۱۵
سؤالات چهارگزینه‌ای سراسری و پاسخ‌نامه فصل اول.....	۱۸
فصل دوم: بررسی ساختار طبقات اجتماعی پیش از مشروطیت.....	۱۹
۱-۲- طبقه حاکم.....	۲۱
۲-۲- طبقه متوسط.....	۲۲
۳-۲- روشنفکران.....	۲۵
نمودار و خلاصه فصل دوم.....	۲۸
سؤالات چهارگزینه‌ای تألیفی و پاسخ‌نامه فصل دوم.....	۲۹
سؤالات چهارگزینه‌ای سراسری و پاسخ‌نامه فصل دوم.....	۳۰
سؤالات چهارگزینه‌ای آزاد و پاسخ‌نامه فصل دوم.....	۳۱
فصل سوم: شکل‌گیری انقلاب مشروطه ایران.....	۳۳
۱-۳- تشکیل مجلس شورای ملی و بررسی کارکردهای مجالس در دوره مشروطه.....	۳۴
۱-۱-۳- مجلس دوره اول.....	۳۴
۲-۱-۳- مجلس دوره دوم.....	۳۵
۳-۱-۳- مجلس دوره سوم.....	۳۵
۲-۳- تشکیل‌های سیاسی مقارن با شکل‌گیری انقلاب مشروطیت.....	۳۷
۳-۳- نقش احزاب و گروه‌های سیاسی در مجالس دوره مشروطه.....	۳۸
۱-۳-۳- حزب دموکرات.....	۳۸
۲-۳-۳- حزب اعتدالیون.....	۳۸
نمودار و خلاصه فصل سوم.....	۳۹
سؤالات چهارگزینه‌ای سراسری و پاسخ‌نامه فصل سوم.....	۴۰
فصل چهارم: بررسی اندیشه‌های سیاسی در دوره پیش از مشروطه و تأثیر آن بر تحولات سیاسی و اجتماعی ایران.....	۴۵
۱-۴- اندیشه‌های سیاسی پیش از مشروطیت.....	۴۶
۱-۱-۴- مجدالملک.....	۴۶
۲-۱-۴- مستشارالدوله.....	۴۷
۳-۱-۴- میرزا ملکم‌خان.....	۴۸
۴-۱-۴- آخوندزاده.....	۴۹
۵-۱-۴- طالبوف.....	۵۰
نمودار و خلاصه فصل چهارم.....	۵۱
سؤالات چهارگزینه‌ای تألیفی و پاسخ‌نامه فصل چهارم.....	۵۲

سؤالات چهارگزینه‌ای سراسری و پاسخ‌نامه فصل چهارم	۵۳
سؤالات چهارگزینه‌ای آزاد و پاسخ‌نامه فصل چهارم	۵۳
فصل پنجم: آشنایی ایرانیان با نهادهای و مؤسسات تمدنی جدید در عصر قاجار	۵۵
۱-۵- پیدایش مدارس و دسته‌بندی‌های آن	۵۶
۲-۵- واگذاری امتیازات در عصر قاجاریه	۵۸
۱-۲-۵- رویتر	۵۸
۲-۲-۵- داری	۵۸
۳-۲-۵- بانک شاهنشاهی	۵۸
۴-۲-۵- توتون و تنباکو	۵۹
۵-۲-۵- قرارداد لاتاری	۶۱
نمودار و خلاصه فصل ششم	۶۲
سؤالات چهارگزینه‌ای تألیفی و پاسخ‌نامه فصل پنجم	۶۲
سؤالات چهارگزینه‌ای آزاد و پاسخ‌نامه فصل پنجم	۶۴
فصل ششم: بررسی اندیشه‌های سیاسی پس از دوره مشروطه و تأثیر آن بر تحولات سیاسی و اجتماعی ایران	۶۵
۱-۶- نائینی	۶۶
۲-۶- تقی‌زاده	۶۷
۳-۶- شادمان و تحیر فرنگ	۶۸
۴-۶- آل احمد و غرب‌زدگی	۶۹
۵-۶- شریعتی	۷۱
۶-۶- سید حسین نصر	۷۳
۷-۶- شایگان	۷۵
نمودار و خلاصه فصل ششم	۷۷
سؤالات چهارگزینه‌ای آزاد و پاسخ‌نامه فصل ششم	۷۸
فصل هفتم: اوضاع ایران از سقوط قاجار تا دوره پهلوی دوم و بررسی احزاب و گروه‌های سیاسی	۷۹
۱-۷- سلطنت رضاشاه	۸۰
۲-۷- احزاب در دوره پهلوی اول	۸۵
۳-۷- احزاب در دوره پهلوی دوم	۸۹
سؤالات چهارگزینه‌ای تألیفی و پاسخ‌نامه فصل هفتم	۹۴
سؤالات چهارگزینه‌ای سراسری و پاسخ‌نامه فصل هفتم	۹۴
سؤالات چهارگزینه‌ای آزاد و پاسخ‌نامه فصل هفتم	۹۵
نمودار و خلاصه فصل هفتم	۱۱۷
فصل هشتم: انقلاب اسلامی ایران: حوادث و رویدادهای سیاسی و اجتماعی	۱۲۳
۱-۸- شخصیت امام خمینی (ره)	۱۲۵
۲-۸- نقش نیروهای تأثیرگذار در شکل‌گیری انقلاب اسلامی	۱۲۵
۳-۸- فلسفه سیاسی امام خمینی (ره)	۱۲۷
۴-۸- شتاب روند فساد و استبداد در دستگاه حاکم	۱۲۸
۱-۴-۸- ضعف و بی‌کفایتی شاه	۱۲۹
۵-۸- آمریکا و انقلاب ایران	۱۳۰
۱-۵-۸- کارتر و بحران ایران	۱۳۲
نمودار و خلاصه فصل هشتم	۱۳۳
سؤالات چهارگزینه‌ای سراسری و پاسخ‌نامه فصل هشتم	۱۳۴
سؤالات چهارگزینه‌ای آزاد و پاسخ‌نامه فصل هشتم	۱۳۴
سوالات و پاسخ تشریحی کنکور سراسری ۱۴۰۰-۱۴۰۴	۱۳۵
فهرست منابع و مآخذ	۱۷۵

فصل اول

زمینه‌های شکل‌گیری انقلاب مشروطه ایران

- زمینه‌های اجتماعی انقلاب مشروطه
- زمینه‌های اقتصادی انقلاب مشروطه
- زمینه‌های سیاسی انقلاب مشروطه

زمینه‌های شکل‌گیری انقلاب مشروطه ایران

۱-۱: زمینه‌های اجتماعی انقلاب مشروطه

انقلاب مشروطیت حاصل دگرگونی‌های اجتماعی عمیقی است و بدون شک یک شبه حاصل نشد، بلکه بسیاری از تحولات و تغییرات اجتماعی حداقل در چند دهه قبل از آن به تدریج زمینه‌های لازم را برای این دگرگونی ایجاد نمود. بررسی تحولات زنجیره‌ای از دوران فتح‌علی‌شاه تا وقوع انقلاب از زمره مهم‌ترین عوامل برای ریشه‌یابی علل انقلاب است. ملکزاده معتقد است که انقلاب مشروطیت تحت تأثیر وقایع یکصدساله قبل از خود بوده است و تحولات و وقایعی که در این حد فاصل در ایران و جهان اتفاق افتاد، زمینه‌های لازم را برای این دگرگونی عظیم به وجود آورد. وقوع انقلاب کبیر فرانسه و انقلاب روسیه و جریان مشروطیت ژاپن از جمله حوادثی است که بسیاری از تحصیل‌کردگان و روشنفکران ایرانی با آن‌ها آشنا شدند و از طریق روزنامه‌هایی مانند «حبل‌المتین» و روزنامه‌های آزادی‌خواه مصر که برای عده‌ای از ایرانیان مرقی و آشنا به زبان عربی می‌رسید و در مورد ترقیات ژاپن و همچنین از برنامه‌ای که دولت ژاپن برای وصول به مدارج علیه تمدن تعقیب می‌کرد، صحبت می‌کردند و ایرانیان را چون ژاپن به فرستادن جوانان به ممالک متمدن برای کسب علم و هنر و استخدام متخصصین خارجی برای ایجاد صنایع تشویق می‌کردند.

بدون تردید آشنایی ایرانیان با وقایع و تحولاتی که در خارج از مرزهایشان اتفاق افتاده بود، دگرگونی‌هایی در اندیشه و تفکرات آنان در مورد اوضاع داخلی کشور و تلاش برای تغییر اوضاع به وجود آورد. اما صرف‌نظر از این موارد، تحولات داخلی و تجزیه و تحلیل آنان نیز از جمله مهم‌ترین عواملی است که می‌تواند زمینه‌های پیدایش انقلاب مشروطیت را مشخص نماید. ناظم‌الاسلام کرمانی در کتاب خود، تاریخ بیداری/ایرانیان، ریشه انقلاب را به دوران سلطنت ناصرالدین‌شاه مربوط ساخته و واقعه اعطای انحصار دخانیات از طرف شاه را به یک نفر خارجی و مقاومت منفی مردم را در برابر اراده و فرمان شاه نخستین نشانه تنبه و بیداری مردم دانسته است. همچنین ملکزاده بر تأثیر واگذاری انحصار دخانیات ایران به یک شرکت انگلیسی که از بزرگ‌ترین حوادث دوره ناصرالدین‌شاه بود، تأکید می‌کند. این نهضت که صرفاً جنبه مذهبی داشت، در تحولاتی که پس از این در ایران روی داد و به انقلاب مشروطیت منتهی شد، تأثیر بسزایی داشت.

شایان ذکر است عوامل مؤثر در پیدایش انقلاب مشروطه و علل بیداری افکار عمومی را می‌توان در موضوعات زیر دسته‌بندی کرد:

- ۱- کشته شدن ناصرالدین‌شاه به دست میرزا رضا کرمانی که نتیجه آن در ریشه‌کن شدن استبداد تأثیری بسزا داشته است.
- ۲- سلطنت مظفرالدین‌شاه که فطرتاً مهربان و از ستمکاری به دور بود و تمایل به سخت‌گیری و استبداد مطلق نداشت و دوره سلطنت او افق ایران را روشنی بخشیده و ترویج معارف جدید و تأسیس مدارس ملی رونق گرفت و باب آمد و شد با دنیای متمدن باز شده و بسیاری از جوانان ایرانی برای تحصیل به اروپا رفته‌اند و نیز مطبوعات خارجی آسان‌تر از دوره ناصرالدین‌شاه به دست ایرانیان روشنفکر و باسواد می‌رسیده است.

- ۳- معزول شدن میرزا علی اصغر خان اتابک، که سرسلسله مستبدین بوده، از صدارت و روی کار آمدن امین‌الدوله روح تازه‌ای در پیکر پیروان آزادی و ترقی کشور دمیده و زمزمه تشکیل عدالتخانه و مسئولیت وزرا در میان مردم شنیده شده‌است.
- ۴- نهضت‌های انقلابی روسیه و مجاهدت آنان در برافکندن اساس استبداد در تنویر افکار ایرانیان نقش بسیاری داشته‌است.
- ۵- ترقیات سریع ژاپن از عوامل مؤثر در تنبیه افکار ایرانیان بوده و ثابت کرده‌است که رستگاری و ترقی جز در سایه مشروطیت میسر نمی‌گردد و بسط تمدن و دانش جز در پرتو نور عدالت و قانون به‌دست نمی‌آید.
- ۶- جنگ ژاپن و روسیه یکی از مهم‌ترین عوامل بیداری ایرانیان شد. این جنگ در سال (۱۹۰۵ م/ ۱۳۲۳ ق) رخ داد، زمانی که دولت استبدادی روسیه به اوج اقتدار رسید بود. اگر دولت روسیه در جنگ با ژاپن پیروز می‌شد بیم آن می‌رفت که نفوذ سیاسی و مداخلات غیرمشرع آن دولت در تمام ممالک همجوار، ایران را مورد تاخت و تاز و در اضمحلال قرار دارد.

۱- ۲: زمینه‌های اقتصادی انقلاب مشروطه

نهضت مشروطیت به همان اندازه که ملهم از زمینه‌های فکری موجود در جامعه بود، از نابسامانی‌های اقتصادی کشور نیز تأثیر پذیرفت و این تأثیرات تا به اندازه‌ای زیاد و گسترده بود که حتی مبالغه نخواهد بود اگر بگوییم نهضت مشروطه بیش از هر عاملی از این عامل تأثیر پذیرفته‌است. در آستانه شکل‌گیری مبارزه اقشار و طبقات اجتماعی ایران، هر کدام به‌گونه‌ای و به دلایلی زیر فشار شدید مشکلات مالی و اقتصادی قرار داشتند و هیچ‌گونه آینده روشن و امیدبخشی را در پرتو نظام حاکم برای بهبود شرایط ناگوار خویش نمی‌دیدند.

کشاورزان و روستاییان که در طول دوره حکومت قاجاریه به‌خصوص در عصر ناصری زیر فشار انواع مالیات قرار داشتند، در آستانه نهضت مشروطیت به‌حدی گرفتار فقر و فاقه گردیده‌بودند که گاه برای پرداخت به اصطلاح دیون دولتی ناگزیر می‌گردیدند فرزندان خویش را به‌فروش برسانند و با پول آن مالیات تحمیلی را پرداخت کنند.

مالیات‌هایی که عمال شاهان قاجار برای تأمین مخارج دربار عریض و طویل و مسافرت‌های فرنگ و دریافت می‌کردند، هیچ قاعده و ضابطه معینی نداشت و همواره به شکلی طاقت‌فرسا در حال افزایش بود. هنگامی که تهیدستان قادر به پرداخت مالیات درخواستی نبودند، بدون کم‌ترین تأمل املاک ایشان ضبط می‌گردید و آنان را ناچار تبدیل به گدایانی می‌کرد که در روستاها و شهرها به دنبال نان می‌گشتند. تماس و برخورد با غرب، افزون بر گسترش طبقه روشنفکر جدید و طبقه متوسط سنتی، نارضایتی اجتماعی فراگیری را هم پدید آورد. طبقه روشنفکر، که در اندیشه پیشرفت پرشتاب بود، نارضایتی روزافزون از روند آهسته نوسازی و فساد زیاد دربار را بیان می‌کرد. طبقه متوسط سنتی که در برابر رقبای بیگانه بی‌دفاع مانده‌بود، کم‌کم پی برد که قاجاریه بیشتر به فکر تقویت دولت در جامعه است تا حفظ جامعه در برابر قدرت‌های امپریالیستی. مردم عادی به‌ویژه صنعتگران شهری و توده‌های روستایی از پایین آمدن ناگهانی سطح زندگی، که از حضور رقبای غربی، مالیات‌های فزاینده و پیشی رفتن رشد جمعیت بر محصول ناخالص ملی ناشی می‌شد، رنج می‌برد.

از دیدگاه مجدالاسلام کرمانی، یکی از روشنفکران شاخص سال‌های پایانی سده نوزدهم، قاجاریان فاسد به کمک امپریالیست‌ها - با فروش زمین‌ها، امتیازات و حتی فروش روستاییان به بردگی ترکمن‌ها، خلاصه «همه پادشاهی محروسه» و با حیف و میل درآمدها در قصرها، عیاشی و دادن مستمری و هدایا و سفرهای خارجی - شیره مملکت را کشیدند.

گرچه داده‌های چندان مطمئنی درباره وضع اقتصادی در سده نوزدهم وجود ندارد، اما برای اینکه نشان دهیم در دوران مورد بحث، سطح زندگی شهروندان متوسط بسیار پایین آمده بود، گواه روشنی وجود دارد.

هرچند در آستانه انقلاب مشروطیت حرکت‌های ابتدایی و اولیه در مورد تأسیس کارخانجات و گرایش‌های صنعتی و پیدایش طبقه کارگر صورت گرفته بود، اما هنوز کشاورزی پایه و اساس ساختار اقتصادی ایران بود. با وجود اینکه روستاها و کشاورزان عامل تعیین‌کننده‌ای در اقتصاد ایران بودند، ولی در صحنه انقلاب اثری از این طبقه مهم مشاهده نمی‌شود. بنابراین انقلاب مشروطیت یک انقلاب کاملاً شهری است و نقش روستاییان و دهقانان در آن کاملاً منفی است. بدین لحاظ هر نوع فشار بر روستاییان و نابسامانی در وضعیت کشاورزی دقیقاً اقتصاد را در کلیات آن مورد تهاجم قرار می‌داد.

فقر و فاقه اجتماعی البته اختصاص به روستاها نداشت، شهرنشینان نیز به نسبت خاصی گرفتار این رنج بودند و اجحافات حکومت شامل حال آنان نیز می‌گردید. شاه در مواقع مقتضی اصناف و بازاریان و نیز شهرنشینان را برای تهیه مخارج دربار زیر فشار قرار می‌داد. گاهی اوقات برای چپاول شهرنشینان بهانه‌ای می‌تراشیدند و با زندانی کردن آنان، ایشان را ناگزیر می‌کردند تا برای استخلاص از غل و زنجیر هستی خویش را به فروش رسانند و تقدیم عمال شاهی کنند تا از زندان، که قطعاً مرگی محتوم برایشان به دنبال داشت، برهند.

در میان طبقات و اقشار شهری ناراضی‌ترین قشر قدرتمند اجتماعی را بازرگانان تشکیل می‌دادند. ناراضی اینان از حکومت طبعاً از سیاست‌های غلط گمرکی و مالی کشور و نیز اخاذی‌های مکرر دولتیان ناشی می‌شد. بازرگانان که خشم و کین خویش از سلاطین قاجار را به‌خصوص از دوره ناصری گهگاه و به اشکال مختلف نشان می‌دادند، در دوره مظفری از غلبه مطلق بلژیکی‌ها بر گمرکات کشور به شدت خشمگین بوده و مهیا بودند که با هرگونه حرکت اعتراض‌آمیز جمعی همراهی کنند و یا حتی به ایجاد و گسترش آن کمک نمایند.

غلبه بیگانگان بر شئون تجاری مملکت که به تدریج از آغاز سلطنت ناصری آغاز شده و در دوره مظفری با تسلط بازرگانی انگلستان به حد اعلی رسیده بود، روزه‌روز اقتصاد ملی را با بحران بیشتری مواجه می‌ساخت و بر آمار بازرگانان ورشکسته می‌افزود. بدین‌سان در آستانه نهضت مشروطیت تمامی رنج‌های اقتصادی جامعه که از دیرباز آغاز شده و در دوره صدارت عین‌الدوله هرچه بیشتر افزایش پیدا کرده بود، به یکباره چون خرمن آتش مشتعل گردید و متوجه دستگاه فاسد حاکمه شد. طبقات و گروه‌های مختلف اجتماعی جامعه‌ی ایران که هرکدام به‌گونه‌ای و تمامی ایشان در طی ده‌ها سال گذشته بیشترین مصائب را از دولتیان تحمل نموده بودند، وقتی با نهضتی روبه‌رو شدند که هدفش را تأمین عدالت قرار داده بود و علیه ستمگری‌های شاه و حکام به اعتراض برخاسته و خواستار تحدید استبداد مطلقه بود، دیگر کمترین تأملی در همراهی با آن و اطاعت از رهبرانش نکردند و بدین‌سان آن حرکت‌های گسترده را که تدریجاً در شعارها رو به تعمیق می‌رفت ایجاد نمودند.

۱-۳: زمینه‌های سیاسی انقلاب مشروطه

انقلاب مشروطیت در یک جریان چندین ساله با عبور از بحران‌های حاد و فراز و نشیب‌های متعدد بالاخره با فتح تهران در ۱۲۸۸ وارد دوران تثبیت گردید، نهادهای مشروطه ایجاد و شروع به رشد نمودند.

به منظور مطالعه دقیق‌تر روند انقلاب از شروع تا به نتیجه رسیدن، آن را به سه مرحله تقسیم و هرکدام را جداگانه مطالعه می‌کنیم:

مرحله اول:

از تظاهرات آذرماه ۱۲۸۴ ش تا امضای قانون اساسی

مرحله دوم:

از امضای قانون اساسی دی‌ماه ۱۲۸۵ ش تا به توپ بستن مجلس در تیرماه ۱۲۸۷ ش

مرحله سوم:

از قیام تبریز در سال ۱۲۸۷ ش تا فتح مجدد تهران در سال ۱۲۸۸ ش

۱-۳-۱: مرحله اول

از تظاهرات آذرماه ۱۲۸۴ ش تا امضای قانون اساسی:

تعدادی از محققین و نویسندگان تاریخ انقلاب مشروطیت اولین جرقه این نهضت را در ارتباط با عمارت بانک استقراضی دانسته‌اند. با واگذاری امتیاز ایجاد بانک استقراضی این بانک شروع به احداث عمارتی در تهران نمود. روز ۴ آذرماه ۱۲۸۴ ش عده‌ای از مردم تهران به این عمارت هجوم آورده و آن را خراب کردند. البته این تحرک مردم زمینه و رنگ مذهبی داشت و در حقیقت بدین دلیل بود که محل احداث این بانک سابقاً گورستان بوده و اکنون مردم به این مسئله اعتراض داشتند که چرا باید گورستان مسلمانان برای ساخت بنایی برای روس‌ها از بین برود.

در ادامه این موضوع رویداد مهم دیگری که بسیاری از محققین این اتفاق را جرقه اصلی قیام و انقلاب می‌دانند، چوب خوردن حاج هاشم‌آقا قندی در دارالاماره تهران به دستور علاءالدوله بود که در پی آن بازار تهران تعطیل شد و پس از این حادثه روز ۲۲ آذرماه عده‌ای از تظاهرکنندگان به رهبری سید محمد طباطبایی و سید عبدالله بهبهانی برای اینکه از گزند دولتیان محفوظ بمانند از تهران راهی شاه عبدالعظیم شده و در آنجا بست نشستند که این تصمیم به «مهاجرت صغری» شهرت دارد. در پی این واقعه عین‌الدوله دستور داد بازارهای تهران را به‌زور باز کنند و هر دکانی که بسته باشد را غارت کنند تا اینکه در ۲۱ دی‌ماه عده‌ای از مردم تهران که اکثریت آن‌ها زن بودند کالسکه مظفرالدین‌شاه را در موقع عبور احاطه کرده و از شاه درخواست نمودند که به مطالبات بست‌نشینان ترتیب اثر بدهد. پس از این ازدحام شاه به وخامت اوضاع پی برده، نخستین دست‌خط خود را در مورد پذیرش «عدالتخانه» به صدر اعظم فرستاد. ابتدا عین‌الدوله فرمان شاه را اجرا نکرد اما در نهایت تسلیم شد و زمینه برای بازگشت مهاجران فراهم گردید.

پس از بازگشت مهاجرین، عین‌الدوله صدراعظم بسیار مستبد مظفرالدین‌شاه، تأسیس عدالتخانه یعنی مهم‌ترین خواست مردم در میان خواسته‌های هشت‌گانه را به دست فراموشی سپرد و کوچک‌ترین قدمی، علی‌رغم تذکرات علما، در جهت آن برنداشت. وی علاوه بر این تصمیم گرفت تا تعدادی از مخالفین و وعاظ تهران را تبعید کند و رعبی در دل‌ها ایجاد کند که به سبب آن مردم از تعقیب خواسته‌های خویش چشم‌پوشی کنند. در روز چهارشنبه هجده جمادی‌الاول ۱۳۲۴ مأموران صدراعظم به دنبال مأموریت‌های گذشته، مأموریت یافتند تا شیخ محمد واعظ، یکی از وعاظ معروف تهران، را دستگیر و تبعید نمایند. پس از دستگیری شیخ محمد واعظ که در نزدیکی مدرسه حاج ابوالحسن معمار انجام گرفت، طلاب بیرون ریختند و سعی کردند تا شیخ محمد را از دست مأموران آزاد کنند، اما آنان به‌سرعت شیخ را در نزدیک‌ترین قراولخانه زندانی کردند و در مقابل آن سنگر گرفتند و طلاب نیز که در این حال توسط جمعی از شهروندان حمایت می‌شدند، بدون هراس به قراولخانه حمله کردند و شیخ محمد واعظ را آزاد کردند، ولی طلبه‌ای به نام سید عبدالحمید با شلیک گلوله‌ای از سوی فرمانده مأموران به‌شهادت رسید و به دنبال آن مقدمه دومین اجتماع بزرگ علما و مردم در مسجد جامع و زمینه مهاجرت کبری فراهم گردید و در پی آن سید محمد طباطبایی و سید عبدالله بهبهانی که اینک مورد توجه مردم آزادی‌خواه بودند برای بست‌نشینی راهی قم شدند. قریب ۱۰۰۰ نفر در این سفر با ایشان همراه گشتند و ۳۰ تیر ۱۲۸۵ ش به قم رسیدند.

با توجه به اینکه افرادی که در تهران باقی‌مانده بودند در خطر تهاجم و حمله نیروهای دولتی قرار داشتند می‌بایستی تدبیری برای حفاظت آنان اندیشیده شود. بنابراین تصمیم گرفتند در سفارت انگلیس تحصن جویند.

قاسمی می‌گوید: «بهبهانی پیش از این سفر، نامه‌ای به سفیر انگلیس نوشت و از او مساعدت طلبید. این اقدام از یک‌سو باعث می‌شد که مردم دچار فریب شوند و چنین پندارند که نماینده استعمار انگلستان می‌تواند پشت و پناه آزادی‌خواهان ایران باشد و از سوی دیگر به استعمار انگلستان فرصتی داد که در انقلاب ایران مداخله کرده و آن را تحت نظر بگیرد و تا مدتی در تضاد خود با امپریالیسم روس از آن استفاده کند. روز ۲۷ تیرماه عده‌ای از بازرگانان و طلاب در سفارت انگلیس بست نشستند و در عرض یک هفته عده بست‌نشینان به ۱۳ هزار نفر رسید و امپریالیسم حيله‌کار انگلستان درصدد برآمد که با تظاهر به موافقت با مشروطه‌خواهان از آن‌ها برای اعمال فشار بر دربار استفاده کند و از همین راه توانست بسیاری از عمال خود را در صفوف مشروطه‌خواهان جای دهد.

احمد کسروی معتقد است که پناهنده شدن به سفارت انگلیس از روی اجبار بوده و میل باطنی و قلبی انقلابیون نبوده است و در ابتدا آنان می‌خواستند به سفارت عثمانی پناهنده شوند، اما چون در آن اوقات نیروهای عثمانی در مرزهای ایران متمرکز شده و به خاک ایران دست‌اندازی می‌کردند و در حقیقت عثمانی با ایران دشمنی آغاز نموده بود و روسیه خود دارای رژیم استبداد و با آزادی‌خواهان کشور خود در حال کشمکش بود، ناگزیر سفارت انگلیس را برگزیدند.

در این دوران انقلاب راه و مسیر اصلی خود را به دست آورد و حرکت‌های مردم منسجم‌تر و با برنامه‌ای از پیش طراحی شده هدایت می‌شد. اجتماعات مردم برای شنیدن سخنان رهبران انقلاب فشرده‌تر می‌شد و شب‌نامه‌ها و روزنامه‌های طرفدار انقلاب باعث رشد آگاهی‌های مردم می‌شد. در کنار این جریانات خواست‌های متحصنین در سفارت انگلیس روشن‌تر و شفاف گردید و خواستار بازگشت علما از قم، مجازات قاتلین افرادی که در تظاهرات مردمی به وسیله نیروهای نظامی شهید شده بودند، افتتاح دارالشوری، عزل عین‌الدوله و بازگشت تبعیدیان شدند. در اثر فشارهای مردم و متحصنین و رهبران انقلاب بالاخره عین‌الدوله در ۶ مرداد ۱۲۸۵ از کار برکنار شد و متعاقب آن مظفرالدین‌شاه در ۱۳ مرداد ۱۲۸۵ فرمان مشروطیت را امضا و صادر نمود و محمدعلی میرزا ولیعهد نیز با امضای این فرمان تشکیل سلطنت مشروطه در ایران را پذیرفت. اما این فرمان مورد رضایت انقلابیون و آزادی‌خواهان قرار نگرفت. اکثر تاریخ‌نویسان و محققین علت عدم پذیرش و استقبال مردم از این فرمان را نام نبردن از «ملت» در متن دستخط می‌دانند. این فرمان مشروطه‌خواهان را راضی نمی‌کرد، زیرا در آن نامی از ملت نبود و تصریح شده بود که تنظیم اساسنامه مجلس با خود مجلس است. روحانیون هم راضی نبودند، زیرا که از جنبه «اسلامی» مجلس سخن گفته نشده بود. مردم فرمان‌های شاه را از در و دیوار می‌کنند و پاره می‌کردند و دور می‌ریختند. شاه به ناچار فرمان دیگری صادر نمود. این فرمان دوم که مکمل فرمان اول بود و آنچه را که مشروطه‌طلبان می‌خواستند دربر داشت، از طرف عموم با شادی پذیرفته شد و همان شب تهران و تمام شهرهای ایران جشن گرفتند و چراغانی کردند. بدین ترتیب در ظاهر انقلاب مشروطیت به نتیجه رسید اما نکته قابل توجه این است که هر دو فرمان صادره ابهاماتی داشت.

در فرمان اول از طبقات معین و مشخصی نام برده شده بود، طبقاتی که می‌توانستند برای مجلس نماینده انتخاب نمایند عبارت بودند از: شاهزادگان، علما، قاجاریه، اعیان و اشراف و ملاکین، تجار، اصناف. بنابراین هیچ نامی از طبقه کشاورز و کارگر یعنی اکثریت ملت به میان نیامده بود و در فرمان دوم کلمه «ملت» جانشین طبقات گردیده و بدین ترتیب گروه‌های انبوه دهقان و کارگر را نیز شامل شده است. در فرمان اول مجلس قانون‌گذاری تحت عنوان «مجلس شورای ملی» نام برده شده بود اما در فرمان دوم این مجلس به «مجلس شورای اسلامی» تغییر نام یافت و به دنبال آن تأکید شده که در تنظیم و تدوین نظامنامه و قوانین و نظامات، قوانین شرع مقدس اسلامی منظور گردد و چنین به نظر می‌رسد که عنوان کردن مجلس شورای اسلامی و احراز و تأکید در توجه به قوانین شرعی در فرمان دوم از یک طرف برای جلب رضایت طبقه روحانی و از طرف دیگر به این منظور بوده که اکثریت ملت ایران که به مذهب و دیانت سخت پایبند بودند را با رژیم جدید موافق و هماهنگ سازند.

نظامنامه تنظیم‌شده برای انتخابات مجلس نظامنامه طبقاتی بود که بر اساس آن مردم به ۶ طبقه تقسیم می‌شدند: شاهزادگان و قاجاریان، علما و طلبه‌ها، اعیان، بزرگان، مالکان و کشاورزان و پیشه‌وران که هر کدام نماینده مختص خود را انتخاب می‌کردند. در نظامنامه شرایط انتخاب‌کنندگان عبارت بود از: ۱- سن آن‌ها از ۳۰ تا ۷۰ سال در نظر گرفته شده بود و چنانچه انتخاب‌کننده مالک و یا کشاورز باشد، می‌بایست صاحب دکان و کارگاه باشد. ۲- داشتن سواد الزامی بود. ۳- زنان، نظامیان و ورشکستگان از حق انتخاب کردن نماینده محروم بودند. ۴- اکثریت مردم ایران، با توجه به شرایط بالا، از حق انتخاب کردن و انتخاب شدن محروم شدند که دهقانان، کارگران، بسیاری از پیشه‌وران و بازرگانان کوچک را شامل می‌شد. ۵- تعداد نمایندگان مجلس جمعاً ۲۰۰ نفر تعیین شد و از این تعداد ۶۰ نماینده به تهران اختصاص داده شد. ۶۰ نماینده تهران عبارت بودند از: ۱۴ نماینده از شاهزادگان و قاجاریان، ۷ نماینده از اعیان، ۱۸ نماینده از بازرگانان، ۳ نماینده از مالکان اراضی، ۴ نماینده از روحانیون، ۱۳ نماینده از پیشه‌وران و یک نماینده از زرتشتیان.

۱-۳-۲: مرحله دوم

از امضای قانون اساسی دی‌ماه ۱۲۸۵ تا به توپ بستن مجلس تیرماه ۱۲۸۷:

تمامی منابع تاریخ نهضت مشروطیت به تواتر نوشته‌اند که پس از مرگ مظفرالدین‌شاه وقتی محمدعلی‌شاه به سلطنت رسید به خلاف دوره ولیعهدی که برای تثبیت موقعیت خویش از نهضت مشروطیت حمایت می‌کرد، بر آن شد تا نظام استبدادی را تجدید کند. تمایل شدید روس‌ها به برچیده شدن بساط مشروطیت ایران، علاقه انگلیسی‌ها به گوشمالی مجلس و بالاخره علاقه مفرط

شخص محمدعلی‌شاه به تجدید استبداد، عوامل اساسی تضاد فزاینده‌ای بود که به تدریج از آغاز سلطنت محمدعلی‌شاه، میان او و مجلس پدید آمد و سرانجام به ماجرایی به توپ بستن مجلس و تجدید دوره استبدادی انجامید.

اوج کینه و عداوت او با مشروطه در جریان تاجگذاری‌اش به‌خوبی مشهود است. در جریان تاجگذاری محمدعلی‌شاه که به طور رسمی انجام گرفت و کلیه وزرا، سفرا، نمایندگان سیاسی خارجی، روحانیون و اعیان و اشراف حضور داشتند از نمایندگان ملت دعوت به‌عمل نیامده بود. وضع‌الدوله و سعدالدوله نمایندگان مجلس به عنوان اعضای طبقه اعیان در آن مراسم شرکت کرده بودند کشمکش بعدی میان محمدعلی‌شاه و مشروطه‌خواهان در جریان سرپیچی شاه از امضای متمم قانون اساسی پدید آمد. شاه که پس از تدوین این متمم به بهانه‌های مختلف سعی داشت تا از توشیح آن سرباز زند وقتی با پافشاری‌های سرسختانه مجلسیان و مردم شهرهای مختلف و حتی تهدید مراجع مشروطه‌خواه نجف مواجه شد بازهم موقتاً عقب‌نشینی کرد و منتظر فرصت بعدی ماند. محمدعلی‌شاه برای اجرای این نقشه‌ها امین‌السلطان را از اروپا احضار و به صدارت گماشت.

از اقدامات اتابک در این زمینه می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱- تقویت گروهی از روحانیون در مقابل روحانیت طرفدار مشروطیت

۲- پیش کشیدن شریعت در برابر مشروطه

حرکت اساسی محمدعلی‌شاه برای مقابله نهایی با مشروطیت و مشروطه‌خواهان و امکان برچیدن اساس آن با نقل مکان به باغشاه آغاز شد. روز چهارم جمادی الاول ۱۳۲۶ در حالی که کلنل لیاخوف و شاپشال در التزام رکاب بودند به باغشاه رفت و در آنجا مستقر شد. «چهار روز بعد یعنی روز دوشنبه شاه دستخط معروف به راه نجات خود را که برخی آن را به آگهی تعبیر کرده‌اند، انتشار داد. در این دستخط شاه با لحنی تهدیدآمیز، تأکید کرده بود که دیگر حاضر نخواهد شد بیش از این دولت و ملت را دچار حوادث و انقلابات ببیند و از اعمال مغرضین صرف‌نظر کند. در ادامه این تهدیدات سرانجام شاه در روز ۲۳ جمادی‌الثانی ۱۳۲۶، نیت خود را عملی کرد و با به توپ بستن مجلس، دوره استبداد صغیر آغاز کرد.

محمدعلی‌شاه در یک تدارک همه‌جانبه تعدادی سرباز و توپخانه را از تهران به باغشاه برد، قزاق‌ها به فرماندهی کلنل لیاخوف به تهران هجوم آوردند و میدان بهارستان را اشغال کردند و توپخانه‌ای در مقابل مجلس مستقر کردند. در روز واقعه فقط ۶۰۰ تن در مجلس حضور داشتند و فاقد اسلحه کافی و تجهیزات لازم بودند، ولی همین تعداد محدود نیز در مدت ۴ ساعت جنگ رشادت و دلیری بسیاری نشان دادند، اما در مقابل آتش توپخانه و نیروهای استبداد که تعداد آن‌ها به مراتب بیشتر تاب مقاومت نیاوردند.

به‌هرحال، در روز سه شنبه ۲۳ جمادی‌الاولی ۱۳۲۶، شاه نقشه برچیدن مجلس و مشروطیت را که نیکلای دوم امپراتور روسیه، شاپشال معلم روسی وی و همچنین دیپلمات‌های همسایه شمالی مشوق اجرای آن بودند به مرحله اجرا درآورد و به لیاخوف فرمانده روسی قزاق‌ها دستور داد تا مجلس را بمباران و مشروطه‌خواهان را دستگیر و روانه باغشاه کند. طباطبایی، بهبهانی، ملک‌المتکلمین، میرزا جهانگیرخان صوراسرافیل، امام جمعه خوی و تعداد دیگر به پارک امین‌الدوله پناهنده شدند. امین‌الدوله بلافاصله موضوع را به باغشاه اطلاع داد. قزاق‌ها با مراجعه به پارک آقایان را دستگیر و با ضرب و شتم شدید آنان را به باغشاه منتقل نمودند. به دستور شاه بهبهانی به کرمانشاه و طباطبایی به شمیران تبعید شدند. ملک‌المتکلمین، میرزا جهانگیرخان و روح‌القدس به فجیع‌ترین وضع بعد از شکنجه بسیار به قتل رسیدند.

بدین طریق مرحله دیگری از انقلاب مشروطیت سپری شد. در این مرحله سازمان‌های مختلف اجتماعی به‌وجود آمد و انجمن‌ها، اتحادیه‌های کارگری، گروه سوسیال دموکرات، جمعیت مجاهدان و فداییان از جمله سازمان‌هایی بودند که از انقلاب پاسداری می‌کردند. در این مرحله، ضد انقلاب با وجود ناکامی‌های متعدد خود را مجهزتر و مهیاتر نمود. با عنوان کردن «مشروع» و شریعت اقداماتی را آغاز نمودند که نهایتاً در یک اقدام نظامی پایتخت را اشغال نمودند. عناصر آگاه در تبریز برای مقابله با شاه و مستبدین مجهز آماده شدند و عملیات نظامی را آغاز نمودند.

۱-۳-۳: مرحله سوم

از قیام تبریز در ۱۲۸۷ تا فتح مجدد تهران در ۱۲۸۸:

تهاجم محمدعلی شاه به مجلس و بازگشت قدرتمندانه به مواضع قبل از انقلاب و گسترش و انتشار اخبار مربوط به اقدامات شاه در کشور باعث عکس‌العمل‌های شدید اهالی شهرهای بزرگ گردید.

در عتبات مراجع تقلید مانند آیت‌الله آخوند ملاکازم خراسانی و آیت‌الله عبدالله مازندرانی اعلامیه‌های شدید برعلیه شاه و اقدامات او صادر نمودند که در نهایت باعث حرکت مردم در شهرهای مختلف شد. در میان شهرهای ایران، اولین شهری که در مقابل اقدامات شاه به مقابله برخاست شهر تبریز بود. روحانی شجاع این شهر، شهید ثقة‌الاسلام تبریزی و نیز ستارخان و باقرخان نیروهای مردمی را برای مقابله با استبداد محمدعلی‌شاه مجهز نمودند و پس از آنکه نیروهای شاه از تهران به فرماندهی عین‌الدوله صدراعظم مستبد دوره استبداد به محاصره شهر تبریز پرداختند به مقاومت در برابر ایشان مبادرت ورزیدند. همگام با تبریز مردم گیلان نیز متشکل شدند و به اندیشه نجات تهران از دست قوای استبداد افتادند. در همین زمان یکی از فتوادل‌های وابسته به شاه یعنی محمودولی‌خان تنکابنی معروف به سپهدار اعظم که در جریان محاصره تبریز در کنار عین‌الدوله قرار داشت، آنجا را ترک کرد و چون به گیلان رسید، مشروطه‌خواهان آنجا وی را به رهبری نهضت خویش و فرماندهی نیروهای درحال حرکت به سوی تهران برگزیدند. در اصفهان نیز، مشروطه‌خواهان فرماندهی نیروهای اعزامی بختیاری را به سردار اسعد بختیاری سپردند. همزمان با قیام شهرهای مختلف کشور و انتشار خبر عزیمت مجاهدین به سوی تهران برای برچیدن بساط استبداد محمدعلی‌شاهی تلاش‌های شخص شاه برای حمایت از مراجع نجف از یک‌سو و کوشش روسیه و انگلستان از سوی دیگر برای مهار توده‌های مردم آغاز گردید، تلاش شاه علی‌رغم ادعاها و وعده‌هایی که به علما و مراجع نجف از طریق ارسال تلگراف‌های متعدد مبنی بر اعاده مشروطیت داد به دلیل هشیاری علما به ثمر نرسید و آنان نه تنها فریب وعده‌ها و حيله‌های دستگاه استبداد را نخوردند، بلکه بر عدم صلاحیت و مشروعیت سلطنت محمدعلی‌شاه تأکید ورزیدند. به هرحال با گسترش قیام شهرهای ایران و عزیمت نیروهای گیلان و بختیاری به سوی تهران دیگر هیچ‌گونه امیدی به بقای سلطنت محمدعلی شاه باقی نماند و در تاریخ ۲۵ جمادی الثانی ۱۳۲۷ نیروهای بختیاری و گیلان وارد تهران شدند و پس از اندک نبردی با آخرین نیروهای شاه تهران را به تصرف خویش درآوردند. و بساط استبداد صغیر را برچیده و مشروطه دوم را برقرار کردند. وقتی سقوط تهران مسلم گردید، محمدعلی‌شاه با عجله به سفارت روسیه پناهنده شد و برای نجات جان خویش ننگ پناهندگی را پذیرفت و تلگراف ذیل را به امپراتور روسیه مخابره کرد: «خود و عیال و اولاد را تحت حفاظت اعلیحضرت امپراتوری درآوردم».

شورایی فوق‌العاده مرکب از رهبران فدائیان، سران بختیاری، شاهزادگان، وزیران پیشین، نمایندگان سابق مجلس، مجتهدان و بازرگانان بزرگ تشکیل شد. این شورا محمدعلی‌شاه را از سلطنت خلع کرده، پسرچهارده ساله او احمدشاه را به شاهی برداشت و عضدالملک را به نیابت سلطنت گماشت. در دولت موقتی که تشکیل شد سپهدار به وزارت جنگ و سردار اسعد بختیاری به وزارت کشور رسید.

در این مرحله انقلاب ایران به اوج خود رسید. بیش از هر زمان توده‌ها مجدانه و فداکارانه وارد عمل شدند. شکل عمده مبارزه در این مرحله مبارزه مسلحانه بود. جنگ توده‌ای یازده‌ماهه تبریز حماسه پرافتخار انقلاب مشروطیت ایران شد. سرانجام انقلاب پیروز گردید و به خلع محمدعلی‌شاه مستبد انجامید. ولی نیروهای انقلابی در اثر ناپختگی خویش نتوانستند از ثمرات پیروزی استفاده کنند و به جای اینکه قدرت دولت را خود در دست گیرند آن را به نمایندگان اعیان و اشراف لیبرال سپردند و از این‌جا زمینه شکست انقلاب فراهم آمد.

نمودار و خلاصه فصل اول

«زمینه‌های شکل‌گیری انقلاب مشروطه ایران»

الف) زمینه‌های سیاسی انقلاب مشروطه ب) زمینه‌های اجتماعی انقلاب مشروطه ج) زمینه‌های اقتصادی انقلاب مشروطه	زمینه‌های شکل‌گیری انقلاب مشروطه ایران
۱- مرحله اول: از تظاهرات آذرماه ۱۲۸۴ ش تا امضای قانون اساسی ۲- مرحله دوم: از امضای قانون اساسی دی‌ماه ۱۲۸۵ تا به توپ بستن مجلس تیرماه ۱۲۸۷ ش ۳- مرحله سوم: از قیام تبریز در سال ۱۲۸۷ تا فتح مجدد تهران در سال ۱۲۸۸ ش	الف) زمینه‌های سیاسی انقلاب مشروطه
۱- عوامل و حوادث خارجی ۲- عوامل و حوادث داخلی	ب) زمینه‌های اجتماعی انقلاب مشروطه
۱- وقوع انقلاب کبیر فرانسه ۲- انقلاب روسیه ۳- مشروطیت ژاپن ۴- انتشار روزنامه‌ها در خارج از کشور مانند روزنامه «حبل‌المتین»	۱- عوامل و حوادث خارجی
۱- کشته شدن ناصرالدین‌شاه ۲- شبیه سلطنت مظفرالدین‌شاه و عدم استبداد مطلق وی ۳- عزل میرزا علی‌اصغر خان اتابک از صدارت ۴- لغو امتیازات عصر ناصری مانند تالبوت و رویتر	۲- عوامل و حوادث داخلی
۱- فساد دستگاه حاکم قاجاریه ۲- فقر عمومی و انحطاط اقتصادی ۳- پایین آمدن عمومی سطح زندگی ۴- مالیات‌های فزاینده ۵- پیشی گرفتن رشد جمعیت بر محصول ناخالص ملی	ج) زمینه‌های اقتصادی انقلاب مشروطه

سؤالات چهارگزینه‌ای تألیفی فصل اول

- از نظر ملکزاده انقلاب مشروطه ایران تحت تأثیر..... بوده است.
 - وقایع انقلاب کبیر فرانسه و روسیه
 - وقایع یکصدساله اخیر
 - جریان مشروطیت ژاپن
 - همه موارد
- از مهم‌ترین عواملی که می‌تواند زمینه‌های پیدایش انقلاب مشروطیت را مشخص نماید، کدام تحولات است؟
 - دگرگونی در اندیشه و تفکر مردم در مورد اوضاع داخلی
 - آشنایی ایرانیان با تحولات در خارج از مرزها
 - تلاش برای تغییر اوضاع داخلی
 - تحولات داخلی و تجزیه و تحلیل آن

- ۳- کدام نهضت عمومی در تحولاتی که در ایران روی داد و به انقلاب مشروطیت منتهی شد، تأثیر بسزایی داشت؟
(۱) امتیاز لاتاری (۲) امتیاز تنباکو (۳) قتل ناصرالدین شاه (۴) گزینه‌های ۲ و ۳
- ۴-از عوامل مؤثر در تنبه افکار ایرانیان بوده و ثابت کرده است که ترقی ایران جز در سایه مشروطیت میسر نمی‌گردد.
(۱) ترقیات سریع ژاپن (۲) انقلاب روسیه (۳) جنگ ژاپن و روسیه (۴) کشته شدن ناصرالدین شاه
- ۵- از جمله ریشه‌های اقتصادی انقلاب مشروطیت ایران از نظر ملکزاده و در دوره قاجار بوده است.
(۱) مهاجرت روستاییان به شهرها (۲) گرفتن مالیات‌های سنگین از روستاییان (۳) انحطاط اقتصادی و فقر عمومی (۴) رنج مستمر و گرسنگی
- ۶- چه عاملی نارضایتی اجتماعی فراگیری را پیش از انقلاب مشروطیت پدید آورد؟
(۱) گسترش طبقه روشنفکر جدید (۲) تماس و برخورد با غرب (۳) گسترش طبقه متوسط سنتی (۴) همه موارد
- ۷- کدام طبقه عامل تعیین‌کننده‌ای در اقتصاد ایران بود؟
(۱) شهرنشینان (۲) روشنفکران (۳) کشاورزان (۴) طبقه متوسط سنتی
- ۸- در میان طبقات و اقشار شهری نارضایتی‌ترین قشر قدرتمند اجتماعی را تشکیل می‌دادند.
(۱) دولتیان (۲) روشنفکران (۳) علما و روحانیون (۴) بازرگانان
- ۹- در آستانه نهضت مشروطیت تمامی رنج‌های اقتصادی جامعه که از دیرباز آغاز شده بود، در دوره صدارت کدام صدراعظم افزایش یافت؟
(۱) عین‌الدوله (۲) امین‌السلطان (۳) سردار اسعد بختیاری (۴) گزینه‌های ۲ و ۳
- ۱۰- از نظر بسیاری از محققین و نویسندگان تاریخ انقلاب مشروطیت، اولین جرقه نهضت کدام حادثه بود؟
(۱) کشته شدن طلبه جوان به نام سید عبدالحمید (۲) احداث عمارت بانک استقراضی روسیه (۳) مهاجرت صغری (۴) تحصن مردم در سفارت انگلستان
- ۱۱- کدام حادثه زمینه‌ساز مهاجرت کبری را فراهم کرد؟
(۱) بی‌اعتنایی عین‌الدوله به تأسیس عدالتخانه (۲) تبعید مخالفان و وعاظ تهران (۳) کشته شدن سید عبدالحمید (۴) دستگیری شیخ محموداعظ
- ۱۲- فرمان مشروطیت در چه تاریخی توسط مظفرالدین‌شاه امضا و صادر شد؟
(۱) ۶ مرداد ۱۲۸۵ (۲) ۱۳ مرداد ۱۲۸۵ (۳) ۳۰ تیرماه ۱۲۸۵ (۴) ۲۷ تیرماه ۱۲۸۵
- ۱۳- چرا فرمان مشروطیت از طرف مظفرالدین‌شاه مشروطه‌خواهان را راضی نمی‌کرد؟
(۱) مخالفت روحانیون (۲) نامی از ملت برده نشده بود (۳) از جنبه اسلامی مجلس سخنی گفته نشده بود (۴) مخالفت محمدعلی‌شاه (ولیعهد)
- ۱۴- اولین مجلس مشروطه در چه تاریخی تشکیل شد؟
(۱) ۱۴ مهرماه ۱۲۸۵ (۲) ۱۴ ذی‌القعدة ۱۳۲۴ (۳) ۱۲ دی‌ماه ۱۲۸۵ (۴) ۴ ذی‌الحجه ۱۳۲۴
- ۱۵- اوج کینه و عداوت محمدعلی‌شاه با مشروطه در جریان چه حادثه‌ای مشهود است؟
(۱) سوء ظن و عداوت مشروطه‌خواهان با شاه (۲) عدم دعوت نمایندگان مجلس در تاج‌گذاری (۳) درگیری شدید با مجلس (۴) انتخاب امین‌السلطان به صدراعظمی از سوی محمدعلی‌شاه
- ۱۶- اولین شهری که در مقابل اقدامات محمدعلی‌شاه به پا خاست کدام شهر بود؟
(۱) اصفهان (۲) گیلان (۳) تبریز (۴) تهران

۱۷- کدام سازمان‌ها از انقلاب مشروطیت پاسداری می‌کردند؟

- (۱) اتحادیه‌های کارگری
(۲) گروه سوسیال دموکرات
(۳) جمعیت مجاهدان و فدائیان
(۴) گزینه‌های ۲ و ۳

۱۸- مشروطه دوم با کدام حادثه برقرار شد؟

- (۱) تصرف تهران
(۲) پناهنده شدن محمدعلی‌شاه به سفارت روسیه
(۳) استبداد صغیر
(۴) گزینه‌های ۱ و ۳

۱۹- شکل عمده مبارزه در مرحله سوم مبارزه بود.

- (۱) جنگ توده‌ای
(۲) مبارزه مسلحانه
(۳) مبارزه روشنفکری
(۴) مبارزات پنهانی و دسیسه‌چینی روسیه و انگلستان

۲۰- از اولین تصمیمات شورای بهارستان..... بود.

- (۱) خلع محمدعلی‌شاه از سلطنت
(۲) تعیین سرداراسعد بختیاری به وزارت کشور
(۳) تعیین عضدالملک به نیابت سلطنت
(۴) هیچ‌کدام

پاسخ‌نامه سؤالات چهارگزینه‌ای تألیفی فصل اول

- ۱- گزینه «۴»
۲- گزینه «۴»
۳- گزینه «۲»
۴- گزینه «۱»
۵- گزینه «۳»
۶- گزینه «۴»
۷- گزینه «۳»
۸- گزینه «۴»
۹- گزینه «۱»
۱۰- گزینه «۲»
۱۱- گزینه «۳»
۱۲- گزینه «۲»
۱۳- گزینه «۲»
۱۴- گزینه «۱»
۱۵- گزینه «۲»
۱۶- گزینه «۳»
۱۷- گزینه «۳»
۱۸- گزینه «۴»
۱۹- گزینه «۲»
۲۰- گزینه «۱»

سؤالات چهارگزینه‌ای سراسری فصل اول

- ۱- عامل عینی به وجود آمدن مشروطه کدام است؟
(۱) اعطای امتیاز رویترا
(۲) اعطای امتیاز توتون و تنباکو
(۳) واگذاری امتیاز به بیگانگان
(۴) خواسته‌های جدیدی که مردم از حکومت داشتند.
(سال ۸۴)
- ۲- کمیته دفاع ملی در قم به خاطر کدام مسئله به وجود آمد؟
(۱) اشغال ایران توسط روس و انگلیس در جنگ جهانی اول
(۲) اشغال ایران توسط روس و انگلیس در جنگ جهانی دوم
(۳) مبارزه سازمان یافته علیه رضاشاه در سال ۱۳۱۲
(۴) مبارزه سازمان یافته علیه محمدرضاشاه در سال ۱۳۵۶
(سال ۸۵)
- ۳- ترکیب اجتماعی نخستین دوره مجلس شورای ملی نشان‌دهنده:
(۱) نقش مهم طبقه متوسط شهری بود.
(۲) دخالت نظامیان در انتخاب بود.
(۳) پیوند دربار و اشراف زمین‌دار بود.
(۴) ائتلاف دهقانان و محافظه کاران بود.
(سال ۸۶)
- ۴- زمین‌داران در چه سال‌هایی جایگاه برجسته‌ای در ترکیب نمایندگان مجلس شورای ملی داشتند؟
(۱) دهه‌های ۱۳۱۰ و ۱۳۳۰
(۲) سه دوره نخست مجلس شورای ملی
(۳) نیمه دوم دهه ۱۳۲۰ و نیمه اول دهه ۱۳۴۰
(۴) نیمه دوم دهه ۱۳۴۰ و نیمه اول دهه ۱۳۵۰
(سال ۸۶)
- ۵- حیدرخان عموآوغلی از چهره‌های فعال دوران مشروطه چگونه به قتل رسید؟
(۱) در زندان دوره رضاشاه
(۲) توسط دولت مرکزی در تهران
(۳) ترور توسط انجمن غیبی
(۴) توسط طرفداران میرزا کوچک‌خان
(سال ۸۸)
- ۶- میرزا آقاخان کرمانی به کدام‌یک از جریان‌های فکری ایران دوران مشروطه تعلق داشت؟
(۱) مشروطه‌طلب
(۲) ناسیونالیسم ایرانی
(۳) سوسیال دموکرات‌ها
(۴) مشروعه‌طلب
(سال ۸۹)
- ۷- نهضت مشروطه‌خواهی در کدام شهر ایران با مداخله مستقیم نظامی نیروهای خارجی سرکوب شد؟
(۱) تبریز و رشت
(۲) تبریز و مشهد
(۳) مشهد و رشت
(۴) اصفهان و بوشهر
(سال ۹۱)
- ۸- ویژگی جامعه ایران در دوران سلطنت قاجار (تا پیش از جنبش مشروطه) غالباً با کدام عنوان شناخته می‌شود؟
(۱) کثرت‌گرایی مدنی
(۲) در حال گذار
(۳) توده‌ای
(۴) سنتی و مذهبی
(سال ۹۲)
- ۹- مرحله دوم انقلاب مشروطیت به ترتیب با کدام رویداد آغاز شد و با کدام رویداد پایان یافت؟
(۱) تدوین متمم قانون اساسی - به توپ بستن مجلس
(۲) فتح تهران - اعلام التیماتوم روس‌ها به دولت ایران
(۳) فتح تهران - اخراج هیئت شوستر از ایران
(۴) تشکیل مجلس دوم - انحلال مجلس دوم توسط نایب‌السلطنه
(سال ۹۲)
- ۱۰- تثبیت مالکیت خصوصی زمین و ایجاد نهاد ثبت اسناد و املاک در دوره صورت گرفت.
(۱) رضاخان
(۲) مصدق
(۳) امیرکبیر
(۴) مجلس دوم مشروطه
(سال ۹۲)
- ۱۱- عناصر اصلاح‌طلب در میان نخبگان حاکم در دوران قاجار بیشتر از میان برخاستند.
(۱) نظامیان
(۲) دیوانسالاران
(۳) درباریان
(۴) اشراف زمین‌دار
(سال ۹۲)

پاسخنامه سؤالات چهارگزینه‌ای سراسری فصل اول

- | | |
|--------------|---------------|
| ۱- گزینه «۴» | ۷- گزینه «۲» |
| ۲- گزینه «۱» | ۸- گزینه «۴» |
| ۳- گزینه «۱» | ۹- گزینه «۳» |
| ۴- گزینه «۱» | ۱۰- گزینه «۱» |
| ۵- گزینه «۴» | ۱۱- گزینه «۲» |
| ۶- گزینه «۲» | |
- ایران بین دو انقلاب، پروانه آبراهامیان، نشر نی، چاپ یازدهم، ۱۳۸۴.

فصل دوم

بررسی ساختار طبقات اجتماعی پیش از مشروطیت

♦ طبقه حاکم

♦ علما و روحانیون

♦ روشنفکران

♦ بازار و تجار

بررسی ساختار طبقات اجتماعی پیش از مشروطیت

صورت‌بندی طبقات ایران را به لحاظ تنوع فرهنگی، قومی، گسست‌های تاریخی، هجوم اقوام و ایلات کوچنده و بی‌ثباتی مستمر سیاسی به‌سختی می‌توان مورد تجزیه و تحلیل قرار داد.

دانشمندان علوم اجتماعی معیارهای مختلفی را برای طبقه‌بندی یک جامعه به‌کار می‌برند که ملاک‌های این طبقه‌بندی‌ها عبارت‌اند از:

۱- معیار اقتصادی یعنی شیوه و ابزار تولید، اصناف مختلف و درآمد ملی

۲- میزان تأثیرگذاری اقشار و طبقات بر تصمیم‌گیری تحولات سیاسی و اجتماعی و روابط نیروهای اجتماعی با دستگاه حکومتی

۳- برخی دیگر با تلفیق مسائل اقتصادی و سیاسی به بررسی و توصیف ساختار طبقاتی و قشربندی اقتصادی و اجتماعی می‌پردازند. دکتر ازغندی بر این نظر است که جامعه ایران با تقسیم‌بندی دیدگاه اول فاصله دارد و از جنبه نظری به دیدگاه سوم نزدیک‌تر است ولی اساساً جامعه ایران از لحاظ این سه دیدگاه، جامعه‌ای با نیروهای اجتماعی متعدد، ناسازگار و متعارض بوده است. یکی از عوامل مهم تضاد جامعه ایران، گذار جامعه از یک وضعیت ملوک‌الطوایفی - کشاورزی به جامعه‌ای شبه سرمایه‌داری - شهری است و عواملی نظیر افزایش جمعیت، تحرک اجتماعی و ایجاد مؤسسات تمدنی گسترده در کشور، نظام اجتماعی ایران را دگرگون ساخت. شایان ذکر است، صورت‌بندی اجتماعی در ایران با شکل کلاسیک، هماهنگ با تحولات سریع کشورهای اروپایی نبود و شرایط تولیدی و مناسبات اجتماعی به‌کندی جای صورت‌بندی اجتماعی سنتی را گرفت.

در واقع ساختار طبقاتی در جامعه ایران هم از لحاظ اهمیت تاریخی و هم از لحاظ ماهیت تاریخی کارکردی ناهمگون دارد. طبقات همگام با ظهور انقلاب صنعتی و پیدایش نظام سرمایه‌داری به‌وجود آمده و در صورت‌بندی‌های اجتماعی قبل از آن وجود نداشته‌اند، اما دکتر ازغندی معتقد است که با توجه به نوع شیوه و ابزار تولید و صورت‌بندی اجتماعی حاکم بر جامعه وجود طبقات در تمام جوامع چه ماقبل سرمایه‌داری و چه در نظام سرمایه‌داری را باید پذیرفت و جامعه ایران در مرحله انتقالی و گذار از صورت‌بندی غیرطبقاتی به یک جامعه طبقاتی است.

وضعیت جامعه ایران تا پیش از انقلاب مشروطیت از جنبه تشکیلاتی و پرسنلی به این صورت بود که مالکان و اربابان ایلات و عشایر و به‌عبارتی صاحبان آب و زمین بر کشور حکومت می‌کردند. از نظر اقتصادی، نظام اقتصادی بسته، ناامن و ضد توسعه بود. مدیریت به صورت قبیله‌ای بود و ما شاهد شکل‌گیری طبقات و نزاع طبقات نیستیم، بلکه مبارزه بر سر کسب قدرت بین ایلات و عشایر است. یعنی پیش از مشروطیت نیروی اجتماعی به شکل طبقاتی وجود نداشته است و چون قدرت در اختیار خان است مردم نه نقشی در این تغییر دارند و نه این تغییر را درک می‌کنند، یعنی تملک زمین و آب در اختیار خان است و موضع مردم نسبت به دولت ضعیف بوده است و امکان رویارویی با دستگاه حکومتی را به شکل طبقاتی نداشتند و آن نیروهای اجتماعی آگاه هم، به همبستگی با دستگاه قدرت بیشتر علاقه نشان می‌دادند تا مخالفت با دولت، آن هم به خاطر کسب قدرت و منافع.

واگذاری امتیازات، نفوذ افکار و اندیشه‌های نوگرایانه و آزادی‌خواهانه سبب تضعیف قدرت متمرکز و حضور مردم در صحنه سیاسی کشور را فراهم ساخت. نیروهای سنتی جامعه ایران عمدتاً همان بورژوازی (طبقه متوسط شهرنشین) و روحانیون بودند که از نظر دکتر ازغندی نمی‌توان حرکت آنان را به عنوان مبارزه طبقاتی و حرکتی ارادی و آگاهانه تلقی کرد، زیرا معتقد است که این

نیروهای اجتماعی، در فرمان مشروطیت، متمم قانون اساسی و ... به نقش اقتصاد در صورت‌بندی اجتماعی جامعه ایران کاملاً بی‌توجه اند و بیشتر بر تأثیرگذاری سیاسی شخصیت‌ها و طبقات در تحولات سیاسی داخلی و خارجی تأکید دارند. به نظر من تا قبل از مشروطیت شاهد شکل‌گیری و همبستگی نیروهای اجتماعی در اثر تأثیر و تحولات اجتماعی و سیاسی بودیم. به بیان دیگر اگر طبقات نبودند همبستگی اجتماعی مردم بیشتر بود و سپس پس از مشروطیت این گروه‌های اجتماعی تبدیل به طبقات اجتماعی شدند. بر اساس تحلیلی که درباره قشربندی اجتماعی ایران صورت گرفت می‌توان از واحد طبقه برای تقسیم‌بندی اجتماعی ایران استفاده کرد و از مشروطیت تا به قدرت رسیدن رضاخان در ایران، سه طبقه که در درون آن‌ها افشار متعددی فعال‌اند، قابل شناسایی است:

- ۱- طبقه فرادست که از اعضای خانواده سلطنتی و مأموران عالی‌رتبه حکومتی شامل فرماندهان نظامی، قضات و شعرا و سرمایه‌داران و زمین‌داران تشکیل شده است.
- ۲- طبقه فرودست مرکب از دهقانان، کارگران شهری و نیروهای ماقبل سرمایه‌داری است.
- ۳- طبقه متوسط شامل پیشه‌وران، کسبه، تجار و روحانیون در شکل‌های مختلف با درآمد مختلف هستند.

۲-۱: طبقه فرادست (حاکم)

در بخش قبلی گفته شد طبقه فرادست یا حاکمه شامل اعضای خانواده سلطنتی، مأموران عالی‌رتبه حکومتی فرماندهان نظامی، قضات، سرمایه‌داران و زمین‌داران است.

نظام حکومتی ایران در دوره قاجاریه نظام پادشاهی به‌ویژه پادشاهی مطلقه است که در واقع جزء نظام‌های اقتدارگراست. مفهوم نظام‌های اقتدارگرا، از ریشه اقتدار به معنای مسلط شدن به شخصیت آزاد و زندگی انسان‌هاست و مهم‌ترین ویژگی اقتدارگرایی فردمحور بودن و مدیریت سلطه است که ویژگی‌های فرعی دیگری نیز داراست. در این نظام‌ها منافع ملی معنایی ندارد. علت وجود افراد در دستگاه حکومت، وفاداری آن‌ها به یک فرد (شاه) تمایلات و خواسته‌های اوست و در دستگاه حکومتی ایران، مهم‌ترین روش افزایش ثروت و مالکیت، نزدیکی به شاه یا دستگاه حکومتی است.

همچنین در چنین نظامی، مخالفت افراد با شاه نوعی انحراف و تمرد محسوب می‌شود. در ایران، به‌ویژه، معتقدند کسی که متفاوت فکر می‌کند، تحت تأثیر دیگران است.

مهم‌ترین ضعف نظام‌های اقتدارگرا، هراس آنان از چارچوب قاعده، قانون و نظام حقوقی است، چراکه این نظام‌ها در اعمال قدرت محدودیت ایجاد می‌کند. به عنوان نمونه تاریخی، اگر در تاریخ ایران عصر قاجار اختلافی یا تعارضی صورت می‌گرفت یا طرف اختلاف را از قدرت حذف می‌کردند مانند قتل امیر کبیر و قائم مقام فراهانی، یا موضوع اختلاف معطل می‌ماند یا طرف اختلاف را تخریب می‌کردند و در نهایت نسبت به طرف اختلاف خشونت نشان می‌دادند. پس نتیجه می‌گیریم که نقطه ضعف اصلی نظام‌های اقتدارگرا این است که ظرفیت حل اختلاف را ندارد.

شایسته است ذکر شود که چرا نظام‌های اقتدارگرا از نظام حقوقی هراس دارند؟ زیرا در هر نظامی باید سیاست عقلانی به موازات حقوق و نظام حقوقی شکل گیرد. یعنی سیاست عقلانی مبتنی بر حقوق و نظام حقوقی است و سیاست عقلانی و نظام حقوقی با یکدیگر، سیاستمدار را در حصار قانونی و حقوقی قرار می‌دهد تا بتواند عقلانی رفتار کند.

از دلایل مهم تداوم اقتدارگرایی در ایران عصر قاجار می‌توان به نبودن توافق میان مدعیان قدرت و حکومت که زر و زور و تزویر را در اختیار داشتند، اشاره کرد و شاید به همین دلیل ایرانیان علاقه‌مند بودند که به قدرت نزدیک باشند و نمونه تاریخی آن میرزا ملکم‌خان است که دوست داشت همه چیز را با هم داشته باشد و سعی می‌کرد علاقه خود به قدرت و منصب را استتار کند. در واقع این نخبگان فکری و سیاسی بودند که سبب تداوم اقتدارگرایی شدند و همین تداوم اقتدارگرایی و ظهور رضاخان نوعی خروج از بن‌بست‌های فکری و رفتاری و سیاسی بوده است.

نظام اقتدارگرا یعنی محوریت شاه و دربار که سبب وابستگی اقتصادی عامه مردم به حکومت و سلیقه‌گرایی به جای قانون و قاعده‌مندی، اولویت منافع فردی بر منافع عمومی، تملق، فقدان تحلیل واقع‌بینانه حذف رقبا و منتقدین و راندن آن‌ها به خارج از کشور و جلوگیری از شکل‌گیری تشکلهای اجتماعی و سیاسی گردید.

ساختار قدرت در ایران همان اقتدارگرایی بود یعنی به‌دست آوردن قدرت با سرکوب و قتل و غارت و نگه داشتن جامعه در ضعف و به لحاظ اقتصادی و مالی محتاج به دولت.

در عصر فتح‌علی‌شاه برای اولین بار ضعف‌های نظام داخلی ایران نمایان شد. به‌طوری‌که ناتوانی سیستم داخلی ایران خود را در برابر چالش‌های بیرونی و ظهور قدرت‌های روسیه و انگلستان و فرانسه نشان داد.

از سوی دیگر ناآگاهی رجال و فرستادگان ایرانی از فهم مصالح کشور و نحوه ارسال پیام آنان به ایران به‌چشم می‌خورد. در حالی‌که به گفته بسیاری از مورخان، ایرانیان در جنگ‌ها نسبتاً موفق بودند، اما اختلاف میان سرداران و رقابت شاهزادگان و توسل نیروهای داخلی به خارج برای کسب امتیاز، عامل شکست ایران در جنگ‌های ایران و روسیه بوده است.

در بین ایرانیان این دوره به قدری منافع شخصی، نابودی رقیب و رشد فروش خاک کشور رایج است که همین زمینه‌های وابستگی‌های دربار ایران به روسیه را برای بیش از یک قرن فراهم کرد. عقب‌ماندگی فردی و سیستمی حکومت در ایران و دست نیافتن ایرانیان به یک جمع‌بندی کلی از کشور و جامعه زمینه‌های دخالت و نفوذ خارجی را فراهم کرد.

در واقع بسته شدن قراردادهای گلستان و ترکمانچای راه را برای کسب امتیازات اقتصادی بسیاری فراهم کرد.

بلوغ سیاسی و حقوقی از یک طرف و ظرفیت سازمان‌دهی اقشار اجتماعی از طرف دیگر سبب خروج از اقتدارگرایی گردید. تحولی که در دوره مشروطه آغاز شد، اما تکامل نیافت.

۲-۲: طبقه متوسط

طبقه متوسط به مثابه مهم‌ترین گروه اجتماعی جامعه در حال گذار از بخش‌ها و گروه‌های اجتماعی مختلف تشکیل شده است و دارای منافع جداگانه‌ای است. این طبقه خود به دو گروه سنتی و جدید تقسیم می‌شود.

طبقه متوسط جدید در قرن نوزدهم به مثابه نیروی اجتماعی بین مالکین و کشاورزان و کارگران کاربرد داشته است. نام این طبقه نخستین‌بار در ادبیات جامعه‌شناسان آمریکایی یعنی در نوشته‌های افرادی چون «سی رایت میلز» و «هارولد لاسول» مطرح شد و گروه اجتماعی جدیدی است که میزان تأثیرگذاری آن بر تحولات سیاسی و اجتماعی و اقتصادی نسبت به طبقه متوسط سنتی چه از نظر کیفی و چه از نظر کمی افزایش یافت.

تأسیس مؤسسات تمدنی به واسطه تأثیر غرب، رفت و آمد ایرانیان به اروپا، اعزام دانشجو به خارج از کشور و سپس تأثیر این تحصیل‌کردگان در جامعه و نقش آنان در آگاهی بخشی به ایرانیان، چاپ روزنامه‌ها و گسترش نظام آموزشی از عوامل شکل‌گیری طبقه متوسط جدید است. دانشجویانی که به خارج اعزام می‌شدند پس از بازگشت در مراکز اداری و مدیریتی مشاغل مهمی را حتی تا سطح وزارت احراز می‌کردند و در زمره سیاستمداران قرار می‌گرفتند که برخی از این سیاستمداران خواستار دگرگونی در ساختار طبقاتی، تحول در نظام آموزشی، اداری و سیاسی جامعه ایران بودند.

طبقه متوسط سنتی شامل بارزرگانان (بازاریان) و به تعبیر دکتر ازغندی «خرده بورژوازی» ملی و روحانیون می‌شود.

نقش این گروه‌های اجتماعی، نحوه قدرت‌یابی، نفوذ و واکنش آنان در برابر اصلاحات و دگرگونی‌های اجتماعی چگونه است.

این دو گروه یعنی بازاریان و روحانیون در روند تحولات سیاسی و اجتماعی و پای‌بندی آنان به فرهنگ سنتی تأثیر زیادی داشتند. آن‌ها با یکدیگر پیوند ارگانیک داشتند تا آنجا که افزایش منزلت اجتماعی و رشد کمی روحانیون، داشتن تشکیلات منسجم و ارتباط با مردم نتیجه ارتباط فکری و مالی بین این دو گروه است.

ابتدا می‌خواهیم نقش هر کدام از این دو گروه سنتی را به صورت جداگانه در روند انقلاب مشروطیت و اصلاحات در ایران بررسی کنیم.

۲-۱-۲: طبقه بازار (بازاریان)

در خصوص معانی و مفاهیم بازار هیچ اتفاق نظری وجود ندارد، زیرا بازار در طول تاریخ اجتماعی ایران تحت تأثیر عوامل و متغیرهای داخلی و خارجی چه از نظر ماهیت و چه از نظر کارکرد، دستخوش دگرگونی و تحول شده است. اما اگر بازار را به مثابه نهاد به کار ببریم سه مفهوم بازار به عنوان مکان داد و ستد، بازار به عنوان ساختار داد و ستد و بازار به عنوان تنظیم کننده داد و ستد از آن برداشت می شود. مجموع سه مفهوم ذکر شده، نهاد بازار را تشکیل می دهد و همان طور که قبلاً گفته شد بازار و بازاریان زیر مجموعه همان طبقه متوسط سنتی در کنار روحانیون است که در واقع این لایه، اصیل ترین لایه بورژوازی سنتی به علت قدمت تاریخی، از پایگاه گسترده طبقاتی و سنن صنفی از استحکام و اعتبار مادی و اجتماعی برخوردار بوده است. بازار در تاریخ ایران به منزله اساس و ستون فقرات ساخت اجتماعی و اقتصادی جامعه ایران بوده است. همچنین به خاطر داشتن ارتباط تنگاتنگ تاریخی و سازمانی با مراکز مذهبی (روحانیون، حوزه های علمیه) از اهمیت بسیاری برخوردار بوده است. به عبارت دیگر، بازار با خصوصیات شرقی خود در حکم قلب اقتصادی شهر و مساجد و مدارس مذهبی در حکم پایگاه ایدئولوژیک بوده است. در نیمه دوم قرن نوزدهم یعنی سال های سلطنت ناصر ی و واگذاری امتیازات، اقتصاد و جامعه ایران هر چه بیشتر در نظام جهانی سرمایه داری ادغام شد و سرمایه گذاری خارجی بر بخش های تولیدی جامعه سیطره و غلبه یافت. بازاریان در این دوران به چند گروه تقسیم شدند:

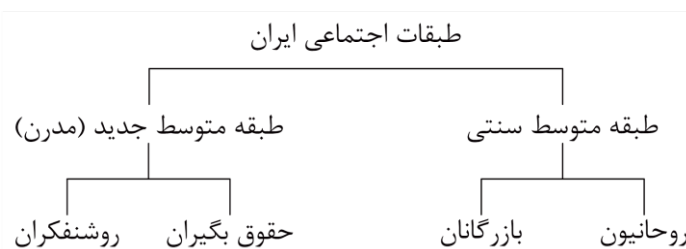
(۱) گروه اکثریت که قابلیت رقابت کالایی و سرمایه ای با خارجیان را نداشت و هستی خود را از دست داده و به سیل کارگران مؤسسات جدید پیوست.

(۲) گروهی که به خاطر متنوع شدن فعالیت تولیدی و تجاری وضعیت گذشته خود را حفظ کردند.

(۳) گروه سومی که در همبستگی با مراکز بیرونی تولید به خاطر واسطه گری به منابع و سرمایه هنگفتی دست یافتند.

این یعنی آلوده شدن بازاریان (تجارت بزرگ) به منابع و محافل بیگانگان و وارد کردن کالاهای خارجی تا آنجا که شناسایی سرمایه داران وابسته و ملی کار دشواری شد.

سرازیر شدن کالا و سرمایه های خارجی و سیاست های اقتصادی ضد ملی دستگاه حکومت که سبب آسیب های زیادی بر بازاریان گردید و شکاف میان بازرگانان و پیشه وران متوسط الحال که نه از حمایت دولت برخوردار بودند و نه حاضر به همکاری با بیگانگان و تجار بزرگ که نقش دلالی داشتند، بودند سبب خصومت میان آنان با قدرت های خارجی و حکومت قاجار گردید که نتایج این واکنش های طبقاتی - مردمی در نیمه دوم قرن نوزدهم به شکل های مختلف بست نشینی، مهاجرت، اعتصاب و تعطیلی بازار و نهضت های مردمی تجلی یافت که در تمام اشکال مقاومت میان دو نیروی اجتماعی سنتی یعنی بازاریان و روحانیون همبستگی ایدئولوژیک دیده می شد.



۲-۲-۲: طبقه علما (روحانیون)

جنگ ایران و روس در دوره قاجار زمینه های اجتماعی تازه ای برای افزایش قدرت روحانیون در کنترل حکومت ها فراهم آورد. فتحعلی شاه برای بسیج مردم علیه لشکرکشی های روسیه به پشتیبانی و حمایت روحانیون نیاز داشت. مجتهدان با جهاد علیه کفار روس به حمایت برخاستند و مردم به خصوص روستاییان را به نفع او در جنگ با روس به جهاد دعوت کردند. در واقع جنگ ایران با روس عملاً این فرصت تاریخی را به روحانیون داد که در سرنوشت سیاسی کشور مداخله فعال داشته باشند و کم کم شاه و قدرت حکومت را در قبضه حمایت و اقتدار خود بگیرند.

در همین دوره به «سید محمد باقر شفتی» لقب حجت‌الاسلام داده شد و اجتماعی از روحانیون سرشناس در پایتخت گرد هم آمدند تا در کارها مورد مشورت قرار گیرند. دو مجتهد معروف این عصر «ملا احمد نراقی» و «سید مهدی بحرالعلومی» نیز از جمله افراد مورد مشورت و مشاوره بودند.

همچنین به سبب تمایلات شیعی و مذهبی شاهان قاجار و جنگ‌های ایران و روس، روحانیون شیعه مجدداً قدرت یافتند و همزمان با گسترش نفوذ اجتماعی آنان در مسائل سیاسی کشور نیز وارد شدند.

در دوره ناصری تمایل مداومی برای کشمکش میان علما و دولت وجود داشت که گسترده‌تر می‌شد و قدرت روحانیون به طور عام و اقتدار مجتهدان و مراجع تقلید به طرز عجیبی گسترش یافت. در حقیقت از دوره ناصری به بعد مداخلات مجتهدان و روحانیون در امور مملکتی رنگ و بوی سیاسی بیشتری به خود گرفت. حوزه قدرتشان افزایش یافت و در شهرهای بزرگ حاکمان واقعی مجتهدان بودند و عملاً تنها قدرتی که بالفعل و بالقوه در برابر قدرت حکومت در جامعه نقش مؤثر و کارسازی داشت قدرت روحانیون بود. قدرت قوام‌یافته‌ای که به تناسب زمان، هم دست در دست حکومت داشت و هم در اقتدار سیاسی سهیم بود و هم به تناسب زمان نقش اپوزیسیون قدرتمند و متشکل حکومت را بازی می‌کرد. کوشش‌های متناوب سیاستمداران و طبقه متوسط جدید به منظور غربی کردن موجب اختلاف میان دولت (حکومت) و روحانیت گردید. روحانیون این اصلاحات را نوعی بدعت قلمداد می‌کردند. البته هر چند در دوره ناصری لزوم اصلاحات ضروری به‌نظر می‌رسید و اقداماتی توسط برخی اصلاحگران انجام گرفت، اما در واقع ناصرالدین‌شاه میلی به کاهش قدرت استبدادی حکومت نداشت و بی‌آنکه حکومت استبدادی مؤثرتر شود به‌وضوح ستمکارتر شد و هنگامی که از این طریق نتوانست نیازهای طبقه حاکم را برآورد، زمینه‌های واگذاری امتیازات به قدرت‌های خارجی را فراهم کرد.

حال واکنش علما چه بود؟ نفوذ بیگانگان در ایران در اشکال فعالیت اقتصادی و تجاری نامأنوس با ذهن مسلمان ایرانی بود. علما در جنگ دوم ایران و روس وظیفه دفاع از حیثیت ملی را علیه تجاوز به‌عهده گرفته بودند. وظیفه اصلی علما جلوگیری از خطر بود. در این دوران برخوردهای مستقیم میان علما و دولت ابتدا در تهران و سپس در ایالات دیگر اتفاق افتاد. اوج اختلاف میان علما و دستگاه حاکم در واقعه جنبش تنباکو (رژی) رخ داد که البته این واقعه به منزله نخستین جنبش سیاسی ایرانیان تلقی می‌گردد. شکاف میان روحانیون و دولت ناصری به علت نفوذ غرب در سطوح مختلف جامعه ایرانی افزایش یافته بود. سؤال دیگری که مطرح است این است که آیا تمامی علما با دستگاه حاکم به مخالفت برخاستند یا نه؟ آیا آن‌ها نیز میان خودشان تقسیم‌بندی و دسته‌بندی داشتند؟

علما در دوره ناصری به سه دسته تقسیم می‌شدند:

یک دسته علما بودند که دولت به قصد نظارت غیرمستقیم بر قلمرو قضاوت مذهبی و جلب حمایت آن از آن‌ها در خدمات دولتی استفاده می‌کرد.

دسته دیگری از علما، بنا به سنت، مصرانه میل نداشتند در اثر تماس با قدرت شاهانه فاسد شوند.

دسته سوم علمایی بودند که قدرت دولت را تأیید می‌کردند اما در برخی موضوعات مداخله می‌کردند.

یکی از دلایل افزایش قدرت علما را می‌توان کوشش برای غربی کردن جنبه‌های خاصی از دولت دانست. چون این روند غربی کردن کاملاً شناخته شده بود، سبب اختلاف میان علما و سلطنت می‌شد.

اصلاحاتی که از جانب حکومت استبدادی در چارچوب نظری پیشنهاد می‌شد از نظر علما نوعی بدعت بود. بنابراین رهبری مقابله با دشمنان داخلی و خارجی و جلوگیری از این خطر وظیفه علما شد و همین سبب افزایش برخورد میان علما و دولت در دوره ناصری شد چه در تهران و چه در دیگر ایالات.

دلیل دوم افزایش قدرت علما در عصر ناصری، نحوه برخورد علما با اصلاحات بود که از این حیث نیز به دو دسته تقسیم می‌شدند.

یک عده تأثیر اروپا را تا حدی در خور استفاده می‌دیدند و بر آن شدند که به برخی از جنبه‌های آن توجه کنند. اینکه تا چه حد این جنبه‌ها با اسلام مطابق است و ارتباط میان آن‌ها و شیوه‌های سنتی تفکر و زندگی چگونه باید باشد موجب اختلاف بین روشنفکران با علما شد که در مبحث روشنفکران به نحوه برخورد این دو گروه می‌پردازیم.

قدرت روحانیون صرفاً به قدرت سیاسی محدود نمی‌شد. از لحاظ اجتماعی تا زمان ایجاد دادگستری و محاکم عدلیه در ایران، امر مرافعه مردم و قضاوت در دست روحانیون بود و در برخی موارد میان «حکومت شرع» و «حکومت عرف» بر سر مرافعات مردم و قضاوت‌هایی که صورت می‌گرفت، اختلاف ایجاد می‌شد تا جایی که یکی از کارهای مجلس اول تشکل علما بود برای به سامان رساندن محاکم عدلیه. همچنین از دوران گذشته احکام شرعی و عرفی در دست صاحبان دعوا فراوان بود و این کار محاکم عدلیه را در بررسی و تشخیص حق و باطل احکام دشواری می‌کرد تا جایی که امیرکبیر کوشش بسیاری نمود تا قدرت محاکم شرع را محدود نماید. شایان ذکر است نفوذ و افزایش قدرت اجتماعی علما در آستانه جنگ‌های ایران و روس به‌ویژه جنگ دوم ایران و روسیه سبب افزایش قدرت علما در میان مردم و در نتیجه افزایش قدرت آن‌ها در بین دستگاه حکومتی در عصر فتحعلی‌شاه گردید.

۲-۳: روشنفکران و تجددگرایان

در جنگ‌های ایران و روسیه به تدریج تحولات و دگرگونی‌های بسیاری در نظام اجتماعی ایران ایجاد شد. این عصر دوره کنش و واکنش میان نظام خودکامه و پدیدار شدن آگاهی نوآئین ایرانیان و همچنین تکوین و تدوین این آگاهی بود. خاستگاه بحران میان نظام خودکامه و آگاهی‌های نوآئین ایرانی، به تعبیر دکتر طباطبایی، با پیدایش روشنفکری آغاز شد. در این بخش به بررسی پیدایش روشنفکری در ایران، شرایط و نحوه پیدایش جریان روشنفکری و این نکته که آیا دیدگاه‌های روشنفکری نهادینه شد و اگر نهادینه نشد دلیل آن چه بود؟ آیا به دلیل مخالفت سنت‌گرایان بود و چرا نظام سنت قدمایی به تلفیقی با عصر جدید در دوره مشروطه دست نیافت و همچنین نظریات طرفداران سنت قدمایی و مخالفان آن به تفصیل مورد بحث قرار می‌گیرد تا نحوه تکوین آگاهی‌های نوآئین در عصر مشروطه مورد مذاقه قرار گیرد. نطفه روشنفکری جدید در خلأ نبود طرفداران سنت قدمایی بسته شده بود و تفاوت و مناقشه متأخرین (روشنفکران) با قدما (سنت‌گرایان) در نظام جدیدی از اندیشیدن آشکار و بروز یافته است. شایان ذکر است در عصر ناصری روشنفکران به متفکران قوم تبدیل شدند در حالی که این متفکران جدید تنها بحث‌های نظری داشتند نه عملی و در عین حال به نظام سنت قدمایی بی‌اعتنا بودند و شاید به دلیل بی‌اعتنایی روشنفکران و ناهماهنگی و مطابق نبودن مفاهیم و آگاهی‌های نوآئین با نظام قدمایی سبب موفق نشدن و نهادینه نشدن مفاهیم نوآئین در دوره مشروطه گردید. به تعبیر دیگر، مباحث روشنفکری در ایران عصر مشروطه تنها جنبه نظری داشت و نتوانست در حوزه عملی تأثیر چندانی گذارد. از سوی دیگر همان‌گونه که در مباحث پیش توضیح داده شد بسیاری از مفاهیم جدید از راه سفرنامه‌های ایرانیان به خارج از کشور و همچنین دانشجویانی که برای تحصیل به خارج اعزام می‌شدند، به ایران راه یافت و در میان روشنفکران رایج گردید. در ایران به طور نمونه آخوندزاده و ملک‌خان تلاش‌های مهم و بسیاری برای انتقال بحث‌های جدید در قالب زبان فارسی کردند. اینان در خارج از ایران با وجوهی از اندیشه جدید آشنایی پیدا کرده بودند و در واقع جزء مهاجران به‌شمار می‌آمدند. تعاریفی که آخوندزاده در آغاز *مکتوبات کمال‌الدوله* آورده همگی حاکی از آشنایی وی با اندیشه عصر روشنفکری دارد که به‌نظر می‌رسد از طریق آشنایی با نوشته‌های روسی به‌دست آورده بود.

وی از نخستین نویسندگان این دوره بود که به اهمیت واژه‌های نو در بیان اندیشه جدید توجهی خاص داشت. بسیاری از نقادی‌های او از وضع ایران عصر ناصری از دیدگاه تاریخی نوآئینی ناشی می‌شد که در میان روشنفکران داخل و خارج پیدا شده و با برکناری و قتل امیرکبیر روند انحطاط ایران شتاب بیشتری پیدا کرده و همه روشنفکران فرمانروایان قاجار را عامل شکست‌هایی می‌دانستند که مردم ایران را به وضعیت حکومت قاجار آگاه ساخت، در واقع نتایج این پژوهش تاریخی را بایستی یکی از خاستگاه‌های روشنفکری در ایران به‌شمار آورد. افراد بسیاری به مقایسه عظمت باستانی و انحطاط قاجاری پرداختند که آخوندزاده از پیشگامان آن به‌شمار می‌رود و زمینه را برای تشکیل نطفه اندیشه ملی‌گرایی در ایران فراهم آورد. حال برای توضیح وضع انحطاط ایران نیازمند به زبان و مفاهیم نوآئین بود. آخوندزاده برخلاف بسیاری از روشنفکران هم‌عصر خود که کوشش می‌کردند مصالحه و مسامحه‌ای میان تفکر قدیم و اندیشه جدید ایجاد کنند به‌خوبی به تمایزاتی که میان آن دو وجود داشت، واقف بود. اما بحث‌هایی

نیز در قالب نظری باقی ماند. همچنین انتقادات آخوندزاده بیشتر ناظر بر حاملان اجتماعی تباهی‌هاست و این دیدگاه اجتماعی او را از ایجاد «انقلابی» در ساختار اندیشه ایرانی که خود را آغازگر آن می‌دانست، دور کرده است.

البته وی از جنبه نظری از دیگر متفکران عصر جدید نواندیش‌تر بود. از دیگر نکات مثبت وی تمایز قائل شدن میان اندیشه غربی با تفکر سنتی ایرانی بود و بدین نکته کاملاً آگاه بود که نمی‌توان اندیشه جدید را در قالب زبان فارسی ریخت و تلاش نمود تمایز میان اصطلاحات رایج و زبان اندیشه جدید را برجسته نماید.

یکی دیگر از منابع و اسناد مهم مناقشه و اختلاف متأخرین بر قدما کتاب *خاطرات شیخ ابراهیم زنجانی* است. وی با شرحی که در خاطرات خود آورده نشان می‌دهد مهم‌ترین منابع سنت قدمایی را خوانده و آن‌ها را نیز تدریس می‌کرده است، اما در نهایت از منتقدان سرسخت مباحث قدیم و نظام سنت قدمایی گردید.

وی در نوشته‌های خود پیوسته نظام و دین را نیازمند اصلاحی اساسی می‌دانست و در واقع نوشته‌های وی نوعی اصلاح دینی به‌شمار می‌آمد. زنجانی هم به دیدگاه‌های طرفداران سنت قدمایی اعتقادی نداشت، اما توصیف زنجانی و همه گروه‌های روشنفکری ایران تا پیروزی مشروطه خواهی نتوانست از محدوده اشاره به نظام خودکامه فراتر رود و نوک پیکان انتقادات او متوجه گروه‌هایی بود که آنان را عاملان اصلی جهل و بی‌خبری مردم تلقی می‌کرد.

البته در این که استبداد از عاملان بی‌خبری مردم به‌شمار می‌آمد تردیدی نیست، اما وی در توضیح جهل و بی‌خبری مردم در شرایطی که آن استبداد رفع شود سخنی به میان نیاورده است و در واقع در هیچ روزنامه یا رساله‌ای اشاره‌ای به «مانع معرفتی» و بی‌خبری مردم نشده است.

بحران آگاهی‌های نوآیین تا زمانی که با بحران سیاسی نظام خودکامه پیوند داشت، سیاسی ماند و نتوانست در پیوند با مبانی سنت قدمایی مطرح شود و به مسائل اجتماعی و چگونگی عملی شدن این دیدگاه‌ها توجه چندانی نکرد و نکته جالب توجه آن است که همه این بحث‌های نظری جدید با بی‌اعتنایی متفکران جدید به سنت قدمایی صورت گرفت و نتوانست بحث‌های جدید را از جنبه عملی با نظام سنت قدمایی تلفیق و هماهنگ نماید و یکی از دلایل عمده نهادینه نشدن جریان روشنفکری در عصر مشروطه و شکست آنان همین نکته بود که به ضرورت تلفیق نظام سنت قدمایی با نظام جدید آگاه نبودند.

۲-۳-۱: بررسی اندیشه‌های سیاسی میرزا حسین‌خان مشیرالدوله:

دوره وزارت و صدرات میرزا حسین‌خان مشیرالدوله، دوره‌ای است که ما به طور جدی‌تر با مبانی مدنیت غربی آشنا می‌شویم. میرزا حسین‌خان در ۲۹ رمضان ۱۲۸۷ ق به وزارت عدلیه، اوقاف و وظائف رسید و از نیروهای همچون میرزا یوسف‌خان مستشارالدوله که جزء برنامه‌ریزان و همکاران اوست، در کار عدلیه کمک گرفت و پس از رسیدن به منصب صدرات، ملک‌خان را از استانبول احضار کرده و به معاونت صدارت منصوب نمود.

حضور افرادی چون مستشارالدوله در کار عدلیه و قانون و ملکم به عنوان معاونت صدارت نشان‌دهنده این است که عصر سپهسالار چه امکانات تازه‌ای برای تجدد و نوآوری به‌وجود آورده بود و این امکان را فراهم کرده بود که بخشی از اندیشه‌های اجتماعی و سیاسی خود را در عمل به تجربه درآوردند.

یکی از مخالفان اقدامات سپهسالار آخوندزاده بود که بر اساس نوع تلقی خاص خود و اختلاف نظری که با ملکم و مستشارالدوله داشت، اقدامات سپهسالار را در وضع قوانین جدید و نظم دادن به کار عدلیه به زبان طنز و طعنه مورد نکوهش قرار داد و این اقدامات را بی‌حاصل خواند، زیرا معتقد بود اخذ دستاوردهای مدنیت غرب مثل تنظیمات، قانون، عدالتخانه، راه‌آهن و... بی‌آنکه در نحوه تفکر و اندیشه جامعه اسلامی تحولی بنیادی رخ دهد، راه به جایی نمی‌برد.

اصرار آخوندزاده بر تغییر الفبا در اصل بدان علت بود که معتقد بود تغییر الفبا و سهولت در کار آموزش تنها راهی است که جوامع شرقی را هرچه سریع‌تر با علم و فرهنگ غرب و اندیشه و تفکر جدید آشنا می‌کند و اگر در نحوه دیدگاه شرقی‌ها، دگرگونی ایجاد شود، زمینه برای اخذ و گسترش دستاوردهای مدنیت غرب به شیوه اصولی فراهم می‌آید.

بدین سبب و به زعم او، اقدامات مشیرالدوله در ایجاد تنظیمات، وضع قوانین و تلاش برای مدرن کردن جامعه ایران، جامعه‌ای که اکثریت مردم آن از خواندن و نوشتن محروم بودند و تفکر و اندیشه مجالی برای رشد نداشت، کاری عبث و بیهوده بود. وی برای

عقیده بود که جمیع تنظیمات و تجدیدات خوب است ولی بنیان و پای‌بست ندارد و بی‌دوام است، امری موقتی است. اگر علوم و معارف عمومیت پذیرد و این اصلاحات نهادینه شود، موفقیت حاصل می‌گردد.

همان‌گونه که آخوندزاده پیش‌بینی می‌کرد، اقدامات و برنامه‌های مشیرالدوله در جهت ایجاد دولتی منظم و نوسازی بنیان‌های اقتصادی، اداری و حقوقی حکومت سرانجام با شکست مواجه شد. عوامل استبداد سیاسی یعنی درباریان و سنت‌گرایان با پشتیبانی سیاست خارجی یعنی روس‌ها، زمینه برانداختن مشیرالدوله از صدارت را فراهم کردند. بزرگ‌ترین مشکل حکومت در عصر قاجار و مهم‌تر از همه مشکل همه صدراعظم‌ها در این دوره، حفظ تعادل در ارتباط با روس و انگلیس بود. همچنان‌که یکی از دلایل موافقت مشیرالدوله با قرارداد رویتز، بدان سبب بود که تضمینی برای حفظ استقلال و تمامیت ارضی ایران فراهم آید. تمامیت ارضی مدت‌ها پیش به خطر افتاده بود و روس‌ها خیال بلعیدن بخش‌های دیگری از سرزمین ما را در سر داشتند. مشیرالدوله در آن برهه زمانی می‌اندیشید، چون طرف قرارداد یک انگلیسی است، با عملی شدن برنامه‌های آن هم ایران به موقعیت تازه اقتصادی و سیاسی دست می‌یابد و هم عملاً انگلیس در حمایت از این قرارداد مانع دست‌اندازی‌های روس‌ها می‌شود. اما در آن زمان سیاست انگلیس با سیاست روس همسو بود و در نتیجه دولت انگلیس از قرارداد رویتز حمایت نکرد و عملاً قرارداد لغو شد. البته مخالفت سنت‌گرایان و حمایت روس‌ها از آنان، یکبار دیگر اتحاد استبداد سیاسی و سنت‌گرایان را به نمایش گذاشت و زمینه سرنگونی مشیرالدوله فراهم گردید.

شاهان قاجار به‌ویژه ناصرالدین‌شاه از یک‌سو دل به تجدد و نوآوری و قانون می‌سپرد تا کشورش جزء کشورهای متمدن درآید و نظم و ترتیبی در امور پیدا شود و از سوی دیگر اندیشناک این بودند که همین مایه تجدد و نوآوری در نظم باعث وحشت مستبدان درباری و سنت‌گرایان گردد و به سقوط سلطنت منجر شود. از این رو، پس از لغو امتیاز رویتز عملاً از سپهسالار حمایتی نکرد و دستور عزل وی را صادر کرد و بار دیگر روند اصلاحات و تجددخواهی در ایران به دلیل مخالفت نیروهای استبداد داخلی و سنت‌گرا و حمایت نیروهای خارجی به سرانجام نرسید.

آرا و اندیشه‌های میرزا فتحعلی آخوندزاده و چند تن از روشنفکران عصر مشروطه در فصل چهارم آمده است.

نتیجه‌گیری مبحث روشنفکران

ما در آستانه انقلاب مشروطیت دو مدل یا دو گونه روشنفکر داشتیم:

روشنفکرانی مانند زنجانی و آخوندزاده که میان اصلاحات یا اندیشه روشنفکری با سنت تفاوت قائل بودند و بی‌اعتنا و بی‌اعتماد به نظام سنت قدمایی بودند.

گروه دوم روشنفکرانی مانند ملک‌مخا و مستشارالدوله که می‌خواستند میان اندیشه روشنفکری با نظام سنت قدمایی تسامح و تساهل قائل شوند. یعنی قوانین و واژه‌های جدید را با اندیشه دیانت و اسلام پیوند دهند.

در تحلیل و دسته‌بندی روشنفکران نخست می‌توان گفت که اساساً اندیشه روشنفکری چه با اعتنا و چه بی‌اعتنا به نظام سنت قدمایی نمی‌توانست هماهنگ شود و دوم اینکه، آن دسته از روشنفکرانی که بی‌اعتنا به نظام سنت قدمایی بودند، ایراد اساسی‌شان این بود که شرایط اجتماعی ایران آن روزگار را به‌خوبی درک نکردند و به‌نظر می‌رسد که این بی‌اعتنایی به دیانت یا نظام سنت قدمایی یکی از عوامل موفق نشدن آنان بوده است.

تحلیل سوم اینکه آن دسته از روشنفکرانی هم که می‌خواستند با نظام سنت قدمایی تسامح و تساهل قائل شوند یعنی قوانین و واژه‌های جدید را با اندیشه دیانت و اسلام پیوند دهند، نتوانستند واژه‌ها را با قوانین اسلامی معادل‌سازی کنند و شاید در نظر نتوانستند این واژه‌ها را معادل‌سازی کنند، اما در عمل نتوانستند میان قوانین جدید با قوانین اسلامی هماهنگ‌سازی ایجاد کنند. در واقع انتقادات روشنفکران بیشتر محدود به نظام سلطنت استبدادی و بیشتر از جنبه سیاسی بود که منجر به تغییر نظام استبدادی به نظام مشروطه شد. اما تحولی در شرایط اجتماعی صورت نپذیرفت. در واقع درباره تکوین آگاهی نوآیند ایرانیان باید گفت که مبنای آن آگاهی، که با بحران سیاسی نظام خودکامه پیوند داشت، سیاسی ماند و نتوانست در پیوند سنت قدمایی مطرح شود. بحران آگاهی از محدوده بحران آگاهی سیاسی فراتر نرفت و آشنایان با سنت قدمایی در جدال با مبنای قدمایی و مناقشه بر آن مبنای که نتیجه‌اش بی‌اعتنایی به مبنای قدما و گسست با سنت قدمایی بود ماندند و به همین دلیل نیز به موفقیت نرسید.

نمودار و خلاصه فصل دوم

«بررسی ساختار طبقات اجتماعی پیش از مشروطیت»

- | | | |
|---|---|----------------------------|
| <p>۱- طبقه حاکم: اعضای خانواده سلطنتی، مأموران عالی‌رتبه حکومتی شامل فرماندهان نظامی، قضات، سرمایه‌داران و زمین‌داران</p> <p>۲- نظام پادشاهی، پادشاهی مطلقه</p> <p>۳- در این نظام محوریت شاه و دربار و اولویت منافع فردی بر منافع عمومی</p> <p>۴- ساختار قدرت در ایران: اقتدارگرایی یعنی به‌دست آوردن قدرت با سرکوب و قتل و نگهداشتن جامعه در ضعف و به لحاظ اقتصادی محتاج به دولت</p> | } | الف) طبقه حاکم (اقتدارگرا) |
|---|---|----------------------------|

- | | | |
|---|---|----------------------------------|
| <p>۱- افزایش قدرت روحانیون پس از جنگ‌های ایران و روسیه و در زمان فتحعلی‌شاه</p> <p>۲- از دوره ناصرالدین‌شاه به بعد مداخلات روحانیون رنگ و بوی سیاسی گرفت.</p> | } | ب) علما و روحانیون |
| <p>۱- نظارت غیرمستقیم بر قضاوت مذهبی</p> <p>۲- نظارت مستقیم و درصدد نزدیکی به دستگاه حاکم</p> <p>۲- بی‌تمایلی این دسته از علما به تماس با شاه</p> | } | ۳- تقسیم‌بندی علما در دوره ناصری |

- | | | |
|--|---|--------------|
| <p>۱- مباحث روشنفکری در ایران عصر مشروطه تنها جنبه نظری داشت</p> <p>۲- بسیاری از مفاهیم جدید از راه سفرنامه‌های ایرانیان به خارج از کشور و همچنین دانشجویانی که برای تحصیل به خارج اعزام می‌شد، به ایران راه یافت و در میان روشنفکران رایج شد.</p> <p>۳- افرادی چون میرزا ملکم‌خان، فتحعلی‌آخوندزاده در انتقال مفاهیم جدید روشنفکری نقش زیادی داشتند.</p> <p>۴- پیروز نشدن روشنفکران عصر مشروطه آن بود که به ضرورت تلفیق نظام سنت قدمایی با نظام جدید آگاه نبودند.</p> | } | ج) روشنفکران |
|--|---|--------------|

- | | | |
|--|---|---|
| <p>۱- اصیل‌ترین لایه بورژوازی سنتی</p> <p>۲- اساس و ستون فقرات ساخت اجتماعی و اقتصادی ایران</p> <p>۳- در کنار روحانیون قرار داشتند.</p> <p>۴- طبقه بازار و روحانیون: طبقه متوسط سنتی را تشکیل دادند.</p> | } | د) طبقه‌بندی بازار و تجار (طبقه متوسط سنتی) |
|--|---|---|

- | | | |
|--|---|----------------------------|
| <p>۱- گروه اکثریت که قابلیت رقابت کالایی و سرمایه‌ای با خارجی‌ان را نداشت</p> <p>۲- گروهی که به خاطر متنوع شدن فعالیت تولیدی و تجاری وضعیت گذشته را حفظ کردند</p> <p>۳- گروه سومی که در همبستگی با مراکز بیرونی تولید به‌خاطر واسطه‌گری به منابع و سرمایه هنگفتی دست یافتند.</p> | } | تقسیم‌بندی طبقه‌بندی بازار |
|--|---|----------------------------|

سؤالات چهارگزینه‌ای تألیفی فصل دوم

- ۱- از نظر دانشمندان علوم اجتماعی، معیارهای طبقه‌بندی یک جامعه چیست؟
 - (۱) معیار اقتصادی
 - (۲) میزان تأثیرگذاری اقشار و طبقات بر تحولات سیاسی
 - (۳) تلفیق مسائل اقتصادی و سیاسی
 - (۴) همه موارد
- ۲- از عوامل مهم تضاد جامعه ایران در دوره قاجار است؟
 - (۱) تحرک اجتماعی
 - (۲) افزایش جمعیت
 - (۳) تحرک اجتماعی و ایجاد مؤسسات جدید
 - (۴) گذار جامعه از ملوک‌الطوایفی به شبه سرمایه‌داری - شهری
- ۳- از دوره مشروطیت تا به قدرت رسیدن رضاخان، طبقات فعال در جامعه چه طبقاتی بودند؟
 - (۱) ایلات و عشایر، کارگران شهری
 - (۲) پیشه‌وران، تجار، روحانیون
 - (۳) طبقه فرادست، فرودست، متوسط
 - (۴) فرماندهان نظامی، قضات، شعرا
- ۴- مهم‌ترین ویژگی نظام‌های اقتدارگرا.....است.
 - (۱) فرد محور بودن و مدیریت سلطه
 - (۲) پادشاهی مطلقه
 - (۳) وفاداری افراد به شاه
 - (۴) در اولویت قرار داشتن تمایلات و خواسته‌های شاه
- ۵- از دلایل مهم تداوم اقتدارگرایی در ایران عصر قاجار چیست؟
 - (۱) فردمحور بودن
 - (۲) توافق نداشتن میان مدعیان قدرت و حکومت
 - (۳) وابستگی اقتصادی عامه مردم به حکومت
 - (۴) موارد ۲ و ۳
- ۶- مهم‌ترین گروه (طبقه) اجتماعی جامعه در حال گذار کدام گروه (طبقه) است؟
 - (۱) طبقه فرادست
 - (۲) نظامیان
 - (۳) متوسط سنتی
 - (۴) هیچ‌کدام
- ۷- چه عاملی زمینه‌های اجتماعی تازه‌ای برای افزایش قدرت روحانیون در کنترل حکومت را فراهم آورد؟
 - (۱) جنگ ایران و روس در دوره قاجار
 - (۲) قتل امیرکبیر
 - (۳) واگذاری امتیاز تنباکو به تالیوت انگلیسی
 - (۴) گزینه‌های ۱ و ۲
- ۸- از دوره کدام شاه قاجار، مداخلات مجتهدان و روحانیون در امور مملکتی رنگ و بوی سیاسی بیشتری به خود گرفت؟
 - (۱) فتحعلی‌شاه
 - (۲) محمدعلی‌شاه
 - (۳) مظفرالدین‌شاه
 - (۴) ناصرالدین‌شاه
- ۹- اوج اختلاف میان علما و دستگاه حکومت قاجاریه با چه حادثه‌ای صورت گرفت؟
 - (۱) واقعه امتیاز لاتاری
 - (۲) امتیاز رویتر
 - (۳) واقعه رژی (امتیاز تنباکو)
 - (۴) همه موارد
- ۱۰- کدام طبقه، در حکم قلب اقتصادی شهر بوده است؟
 - (۱) بازاریان
 - (۲) علما و روحانیون
 - (۳) نظامیان
 - (۴) روشنفکران
- ۱۱- به تعبیر دکتر طباطبایی، خاستگاه بحران میان نظام خودکامه و آگاهی‌های نوآیین ایرانی با پیدایش کدام طبقه آغاز شد؟
 - (۱) بازاریان
 - (۲) روشنفکران
 - (۳) علما و روحانیون
 - (۴) موارد ۱ و ۲
- ۱۲- چه عواملی سبب موفق نشدن و نهاده‌ن نشدن مفاهیم نوآیین در دوره مشروطه گردید؟
 - (۱) بی‌اعتنایی روشنفکران
 - (۲) مطابق نبودن مفاهیم نوآیین با نظام قدمایی
 - (۳) موارد ۱ و ۲
 - (۴) نظری بودن مباحث روشنفکری در ایران
- ۱۳- مهم‌ترین راه‌های آشنایی ایرانیان با مفاهیم جدید را نام ببرید (چه بود؟)
 - (۱) جنگ ایران و روس
 - (۲) وجود افرادی چون ملک‌خان
 - (۳) سفرنامه‌های ایران و دانشجویان
 - (۴) موارد ۲ و ۳
- ۱۴-از نخستین نویسندگان دوره قاجار بود که به اهمیت واژه‌های نو در بیان اندیشه جدید توجهی خاص داشت.
 - (۱) میرزا ملک‌خان
 - (۲) میرزا فتحعلی آخوندزاده
 - (۳) سپهسالار
 - (۴) امیرکبیر

- ۱۵- با برکناری و قتل چه کسی روند انحطاط ایران شتاب بیشتری گرفت؟
(۱) امیرکبیر (۲) میرزا آقاخان نوری (۳) قائم مقام فراهانی (۴) گزینه های ۱ و ۲
- ۱۶-از پیشگامان مقایسه عظمت باستانی ایران و انحطاط قاجاری است.
(۱) قائم مقام فراهانی (۲) مشیرالدوله (۳) میرزا ملکم خان (۴) آخوندزاده
- ۱۷- اگر بازار را به مثابه نهاد به کار ببریم، کدام مفاهیم زیر نهاد بازار را تشکیل می دهد؟
(۱) مکان داد و ستد (۲) ساختار داد و ستد (۳) تنظیم کننده داد و ستد (۴) همه موارد
- ۱۸- اصیل ترین لایه بورژوازی سنتی ایران، در عصر قاجار، کدام طبقه بود؟
(۱) بازاریان (۲) روحانیون (۳) پیشه وران (۴) ۳ و ۲
- ۱۹- نخستین جنبش سیاسی ایرانیان که سبب شکاف میان روحانیون و دولت ناصری را بیشتر کرد؟
(۱) فتح تهران (۲) امتیاز رویت (۳) واقعه رژی تنباکو (۴) امتیاز لاتاری
- ۲۰- از دلایل مهم اختلاف میان دولت (حکومت) و روحانیت در عصر ناصری در روند اصلاحات چه بود؟
(۱) عدم تمایل ناصرالدین شاه به کاهش قدرت (۲) رخنه قدرت های خارجی در زندگی ملت (۳) افزایش امتیازات به قدرت های خارجی (۴) بدعت دانستن اصلاحات از نظر علما

پاسفنامه سؤالات چهارگزینه ای تألیفی فصل دوم

- | | | |
|--------------|---------------|---------------|
| ۱- گزینه «۴» | ۸- گزینه «۴» | ۱۵- گزینه «۱» |
| ۲- گزینه «۴» | ۹- گزینه «۳» | ۱۶- گزینه «۴» |
| ۳- گزینه «۳» | ۱۰- گزینه «۱» | ۱۷- گزینه «۴» |
| ۴- گزینه «۱» | ۱۱- گزینه «۲» | ۱۸- گزینه «۱» |
| ۵- گزینه «۲» | ۱۲- گزینه «۳» | ۱۹- گزینه «۳» |
| ۶- گزینه «۳» | ۱۳- گزینه «۳» | ۲۰- گزینه «۴» |
| ۷- گزینه «۱» | ۱۴- گزینه «۲» | |

سؤالات چهارگزینه ای سراسری فصل دوم

- ۱- در نظریه مدرنیزاسیون-عامل-انقلاب، بیشترین تأکید بر روی کدام یک از طبقات و لایه های اجتماعی است؟ (سال ۸۴)
(۱) اقشار و لایه های محروم جامعه بالاخص طبقه کارگر (۲) اقشار و لایه های زحمتکش بالاخص دهقانان (۳) اقشار و لایه های سنتی جامعه (۴) اقشار حقوق بگیر جامعه
- ۲- شاهزادگان قاجار، علما، اعیان و اشراف، ملاکین، تجار و اصناف اعضای تشکیل دهنده کدام تشکل بودند؟ (سال ۸۴)
(۱) نخستین مجلس شورای ملی ایران (۲) مجلس مشورتی ناصرالدین شاه قاجار (۳) نخستین مجلس سنای ایران (۴) فراموش خانه ایران
- ۳- عقب ماندگی علمی و اجتماعی در ایران در عصر مشروطه بیشتر از کدام عامل بود؟ (سال ۸۴)
(۱) سوء مدیریت دولت ها در حوزه فرهنگی (۲) حکام ظالم و در عین حال جاهل و بی خبر (۳) عملکرد رجال و مسئولین سرسپرده به سفارتخانه های بیگانه (۴) عقب ماندگی در عصر مشروطه تداوم عقب ماندگی تاریخی در ایران بود.
- ۴- نخبگان فکری دوران جنبش مشروطه، عقب ماندگی جامعه ایران را بیشتر ناشی از کدام عوامل می دانستند؟ (سال ۸۵)
(۱) فرهنگ و اعتقادات مردم (۲) حاکمیت استبداد و نبود قانون (۳) پیشرفت نکردن علوم جدید در کشور (۴) رقابت و عملکرد قدرت های استعماری روسیه و انگلستان